Comparative Studies in Jurisprudence, Law, and Politics

Examination of Judicial Proceedings in Juvenile Offenses in Light of Iranian Criminal Law and International Instruments

1. Mohammad Ahmadi: PhD Student, Department of Criminal Law and Criminology, SR.C., Islamic Azad University, Tehran, Iran
2. Roohollah Amiri*: Department of Criminal Law and Criminology, Payame Noor University, Tehran, Iran.
Email: amiriroohollah620@pnu.ac.ir (Corresponding Author)

ABSTRACT

Specialized criminal proceedings for children and adolescents begin from the moment they first come into contact with the police and judicial authorities due to the commission of acts contrary to criminal law and continue through the adjudication of the charge and the enforcement of decisions issued by the competent authorities. Given the necessity of achieving the important humanitarian objectives of rehabilitation, education, and prevention of juvenile delinquency, such proceedings are of considerable importance. Juvenile proceedings differ from adult criminal proceedings in several respects. Among other requirements, police officers and judges who work exclusively or predominantly in juvenile justice should, through specialized training programs, acquire adequate knowledge of disciplines such as child psychology, social work, and criminology. Proceedings should be conducted entirely in camera and with full respect for the privacy of children. In addition to the criminal case file, it is necessary to prepare a personality assessment file containing expert opinions from such fields as medicine, psychology, social work, and criminology in order to enable the adoption of a response appropriate to the personality, character, and circumstances of the child or adolescent. The purpose of juvenile justice is to encourage the offending child or adolescent to change his or her conduct, accept responsibility for his or her actions, and understand the effects of such behavior on others. Another objective is the rehabilitation, correction, and treatment of the offender. Accordingly, every effort should be made, as far as possible, to prevent children in conflict with the law from being subjected to purely punitive responses. In this regard, at the international level, the United Nations has undertaken extensive efforts to improve the administration of juvenile justice, protect the rights of children, and prevent juvenile delinquency. With respect to specialized juvenile proceedings, international human rights instruments and treaties have established various standards and principles that have influenced States in different ways. Therefore, where such instruments impose binding obligations on States, they are required to adopt domestic measures aimed at bringing their juvenile criminal justice systems into conformity with international instruments and obligations. The juvenile justice system consists of a multi-stage process extending from the initial investigation of offenses committed by children and adolescents to appellate proceedings and the enforcement of judgments.

Keywords: *judicial proceedings, children, adolescents, international instruments, laws, States.*

How to cite: Ahmadi, M. & Amiri, R. (2026). Examination of Judicial Proceedings in Juvenile Offenses in Light of Iranian Criminal Law and International Instruments. *Comparative Studies in Jurisprudence, Law, and Politics*, *8*(1), 1-28.

© 2026 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Submit Date: 22 December 2025
Revise Date: 27 April 2026
Accept Date: 05 May 2026
Publish Date: 18 May 2026

پژوهش‌های تطبیقی فقه،
حقوق و سیاست

بررسی فرآیند دادرسی در جرایم مربوط به اطفال و نوجوانان در پرتو حقوق کیفری ایران و اسناد بین‌المللی

۱. محمد احمدی: دانشجوی دکتری، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
۲. روح الله امیری*: گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. پست الکترونیک: amiriroohollah620@pnu.ac.ir (نویسنده مسئول)

چکیده

دادرسی کیفری ویژه اطفال و نوجوانان از ابتدای تماس اطفال و نوجوانان با پلیس و مقامات قضایی، به لحاظ ارتکاب اعمال مغایر با قانون جزاء تا ختم رسیدگی به اتهام و اجرای تصمیمات مقامات صلاحیتدار ادامه دارد. از حیث ضرورت تأمین هدف والایی انسانی، اصلاح و تربیت و پیشگیری از وقوع جرم ایشان ما از اهمیت فراوانی برخوردار است.شیوه دادرسی اطفال و نوجوانان دارای وجوه افتراق متعددی با شیوه دادرسی بزرگسالان می‌باشد از جمله این که پلیس و قضاتی که منحصراً یا غالباً در دادرسی اطفال و نوجوانان فعالیت دارند باید از طریق ایجاد دوره‌های آموزشی با علوم مختلفی از قبیل روانشناسی کودک، مددکار اجتماعی و جرم شناسی آشنایی کامل داشته باشند. دادرسی باید کاملاً غیرعلنی و با حفظ حریم اطفال انجام گیرد تشکیل پرونده شخصیت که حاوی اظهارنظر مختلف علوم پزشکی، روان شناسی، مددکاری و جرم شناسی است در کنار پرونده کیفری به منظور اتخاذ واکنش مناسب با شخصیت و منش طفل یا نوجوانان ضرورت دارد. هدف از دادرسی اطفال و نوجوانان این است که باعث تشویق فرد متخلف به تغییر راه و روش خود و قبول مسئولیت اعمالش و درک تاثیر رفتارش با دیگران شود و هدف دیگر بازپروری و اصلاح و درمان متخلف است از این رو باید تلاش گردد تا حد امکان از قرار گرفتن کودکان معارض قانون در معرض واکنش‌های صرفاً تنبیهی اجتناب گردد. در این راستا در سطح جهانی سازمان ملل متحد برای بهبود اجرای عدالت در مورد اطفال و حمایت از حقوق اطفال و همچنین پیشگیری از جرائم اطفال تلاش های زیادی را به عمل آورده است. در رابطه با فرآیند دادرسی ویژه اطفال، اسناد و معاهدات بین المللی حقوق بشر معیارها و موازینی را ارائه کردند که دولت‌ها به طرق مختلف تحت تاثیر این اسناد قرار گرفتند؛ لذا در مواردی که این اسناد تعهدآوری را برای دولت‌ها ایجاب می کند، دولت ها متعهد هستند تا در حقوق داخلی اقداماتی را در راستای هماهنگی نظام کیفری خود در مورد اطفال، با اسناد و تعهدات بین المللی اتخاذ نمایند. نظام دادرسی اطفال و نوجوانان دارای فرایندی با مراحل متعدد است و از مرحله آغازین تحقیقات در مورد جرائم اطفال و نوجوانان تا مرحله تجدیدنظر و اجرای حکم ادامه می‌یابد.

واژگان کلیدی: *دادرسی، اطفال، نوجوانان، اسناد، بین‌المللی، قوانین، دولت ها.*

نحوه استناددهی: احمدی، محمد.، و امیری، روح الله. (۱۴۰۵). بررسی فرآیند دادرسی در جرایم مربوط به اطفال و نوجوانان در پرتو حقوق کیفری ایران و اسناد بین‌المللی. *پژوهش‌های تطبیقی فقه، حقوق و سیاست*، ۸(۱)، ۲۸-۱.

© ۱۴۰۵ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به‌صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

تاریخ ارسال: ۱ دی ۱۴۰۴
تاریخ بازنگری: ۷ اردیبهشت ۱۴۰۵
تاریخ پذیرش: ۱۵ اردیبهشت ۱۴۰۵
تاریخ چاپ: ۲۸ اردیبهشت ۱۴۰۵

مقدمه

دادرسی کیفری در مفهوم عام که به نحوه کشف جرم، تعقیب، تحقیقات مقدماتی و محاکمه متهمان و نیز طرق اعتراض به آرای کیفری در مراجع صالح قضایی و کیفیت اجرای احکام اطلاق می‌شود، با هدف تأمین منافع بزه‌دیدگان، رعایت حقوق دفاعی متهمان، امنیت قضایی و نظم عمومی تدوین گردید و از اهمیت والایی برخوردار است.

دادرسی ویژه کودکان و نوجوانان درباره موقعیت افراد زیر سن ۱۸ سال که به دلیل قرار گرفتن در معرض سوءظن یا اتهام ارتکاب به جرم، ناگزیر در تماس با نظام قضایی قرار می‌گیرند.

فردی که به‌عنوان متهم وارد فرآیند تحقیق، تعقیب، محاکمه، محکومیت و اجرای مجازات می‌گردد، امکان نادیده گرفتن حقوق انسانی او نیز بیش‌تر می‌شود و چنانچه کسی که در مظان اتهام قرار می‌گیرد کودک و نوجوان باشد، با توجه به سن و نداشتن تجربه زندگی و ناتوانی در دفاع از حق و حقوق خود، امکان نقض حقوق او مضاعف می‌گردد. از این رو، در سراسر دنیا این نگرانی وجود دارد که به حقوق کودکان معارض با قانون خدشه‌ای وارد شود.

بر این اساس، جامعه جهانی اهمیت خاصی برای دادرسی نوجوانان قائل شده و تلاش شده برخورد با کودکی که مقابل قانون قرار می‌گیرد از چنان مطلوبیتی برخوردار باشد که امکان بازپروری کودک و پذیرش نقش سازنده در جامعه از سوی او را مدنظر داشته باشد؛ زیرا هدف اصلی بازگشت کودک به جامعه است. ضرورت حمایت از حقوق کودکان معارض با قانون در سطح بین‌الملل، سازمان ملل متحد را بر آن داشته تا علاوه بر اصول عمومی و حمایتی ناظر بر اطفال در میثاق‌های بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، در زمان تصویب کنوانسیون حقوق کودک، تدوین‌کنندگان حقوق کودک با در نظر گرفتن شرایط ویژه کودکان و درک ضرورت تأکید مجدد بر حق دادرسی منصفانه برای کودکان معارض با قانون، ماده ۴۰ کنوانسیون کودک را تنظیم کنند؛ بدین ترتیب که نظام عدالت کیفری ویژه اطفال بزهکار، از یک سو با توسل به اقدام‌های مدنی و پرورشی از بزهکار و بزه‌دیده شدن اطفال در معرض خطر پیشگیری کرده و از سوی دیگر با اقدام‌های اصلاحی و بازپرورانه از تکرار جرم اطفال بزهکار جلوگیری می‌نماید. با این رویکرد، نظام کیفری ویژه کودکان و نوجوانان از نظر شکلی و ماهوی نسبت به نظام کیفری عمومی متفاوت است. نظام عدالت کیفری اطفال بزهکار در ایران با تکیه بر رویکرد فقهی و حقوق و اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تدوین و تصویب گردیده است.

فرایند دادرسی اطفال و نوجوانان در پرتو حقوق ایران

مفاهیم دادرسی کیفری و دادرسی ویژه اطفال و نوجوانان

طبق حقوق کیفری عرفی و حقوق اسلام، اطفال و نوجوانان در صورت ارتکاب جرم فاقد مسئولیت کیفری هستند، لیکن ضرورت وصول به هدف‌های متعالی تعلیم و تربیت و نوسازی شخصیت و منش و پیشگیری از تکرار جرم آنان و تأمین امنیت و جبران خسارت بزه‌دیدگان، ایجاب می‌کند که نظام قضایی کشورها در تأمین اهداف مزبور، موضوع ارتکاب جرم را پیگیری و واکنش جزایی مبتنی بر اصول علمی اتخاذ نمایند.

مفهوم دادرسی

دادرسی به معنی به داد مظلوم رسیدن، قضا و محاکمه است (Moein, 2003) و نیز رسیدگی به دادخواهی دادخواه و عمل دادرسی را دادرسی می‌گویند (Dehkhoda, 1955). در اصطلاح حقوقی، دادرسی به مفهوم عام رشته‌ای از علم حقوق است که هدف آن تعیین قواعد

مربوط به تشکیلات مراجع قضایی و صلاحیت آن‌ها و تعیین قواعد مرتبط با انواع دعاوی و اجرای تصمیمات دادگاه‌ها باشد که در فقه به آن قضاء می‌گویند (Jafari Langroudi, 2005). دادرسی در برخی موارد به مفهوم دعوا، یعنی اختلافی که به دادگاه برده می‌شود، به کار می‌رود (Shams, 2005).

تعریف دادرسی کیفری در مفهوم عام:

دادرسی کیفری در مفهوم عام به نحوه کشف جرم، تعقیب، تحقیقات مقدماتی و محاکمه متهمین و نیز طرق اعتراض به آرای کیفری در مراجع صالح قضایی و کیفیت اجرای احکام اطلاق می‌شود و با هدف تأمین حقوق بزه‌دیدگان، رعایت حقوق دفاعی متهمان، تأمین امنیت قضایی و نظم عمومی تدوین گردیده است.

مفهوم دادرسی ویژه کودکان و نوجوانان:

دادرسی کودکان و نوجوانان به قواعد منسجمی گفته می‌شود که در زمینه کشف جرم، تعقیب، تحقیقات مقدماتی و نحوه دادرسی باید از بدو تماس کودک و نوجوان با مقامات انتظامی و قضایی، به لحاظ ارتکاب اعمال مغایر قانون تا خاتمه رسیدگی به اتهام او و اجرای حکم، به منظور تأمین هدف والای انسانی و حفظ منافع عالی کودک و نوجوان رعایت گردد (Moazzami, 2015). اطفال بزهکار و بزه‌دیده در دادرسی ویژه مشمول مقررات و اقدام‌های ویژه‌ای قرار می‌گیرند؛ از آن جمله تشکیل پرونده شخصیت، تخصصی بودن مراجع قضایی، مشخص بودن قاضی، انعطاف‌پذیر بودن دادرسی، تنوع تدابیر و پاسخ‌ها که ویژگی‌های بارز آن‌ها پرورشی، امدادی، حمایتی، مراقبتی و نظارتی بودن آن‌هاست. مستقل و تخصصی بودن مراکز و نهادهای محل اجرای تصمیم‌های دادگاه اطفال و شرکت دادن مردم یا تشکل‌های مردمی در مراحل مختلف فرآیند رسیدگی به بزهکاری اطفال، از جمله خصوصیات مهم دادرسی ویژه اطفال و نوجوانان محسوب می‌شود (Abachi, 2009).

مسئولیت کیفری اطفال و نوجوانان

مهم‌ترین عاملی که جرائم اطفال و نوجوانان را از نظر بزهکاری با بزرگسالان جدا می‌کند، عامل سنی است. تعیین حدود سن مسئولیت کیفری میراث حقوق کیفری نوین و بیانگر توجه حقوق کیفری به قدرت تشخیص فرد و تعیین مسئولیت کیفری و اعمال مجازات است. گرچه قدرت تشخیص افراد بنا به وضعیت و موقعیت اجتماعی و فرهنگی آن‌ها مطلوب است، با این حال، همواره قوانین کیفری اماره‌های سنی مشخصی را تعیین می‌کنند که به‌مثابه مرز قراردادی مسئولیت و عدم مسئولیت فرد است. سن تعیین‌شده برای احراز مسئولیت کیفری افراد در کشورهای مختلف متفاوت است و هریک بنا به وضعیت خاص خود، سنین متفاوتی را در نظر گرفته‌اند (Mehra, 2011).

مسئولیت کیفری عبارت است از الزام شخص به پاسخ‌گویی به آثار و نتایج زیان‌بار جرم انجام‌شده (Mehra, 2011). براساس ماده ۱۳۹ قانون مجازات اسلامی، مسئولیت کیفری در حدود، قصاص و تعزیرات تنها زمانی محقق است که فرد حین ارتکاب جرم، عاقل، بالغ و مختار باشد، به‌جز مورد اکراه بر قتل (قصاص) و طبق ماده ۱۴۰ ق.م. مسئولیت کیفری شخصی است.

سنی که شخص پس از رسیدن به آن مشمول مسئولیت تام جزایی و مقررات کیفری بزرگسالان خواهد بود و تفاوتی با آن نخواهد داشت را سن بلوغ کیفری می‌گویند (Ashouri, 2000).

حداقل سن قابلیت تعقیب جزایی اطفال:

در واقع می‌توان گفت حداقل سن، مقطعی است که قبل از آن اطفال قابلیت جزایی را ندارند. قانون‌گذار ما با وجود اینکه اطفال را از مسئولیت کیفری مبری می‌داند، ولی تأدیب و تعزیر صغار را تجویز کرده است، بدون آنکه تعریفی از تنبیه و تأدیب ارائه نماید و یا حدود و میزان را مشخص نماید که این امر ضرورت بازنگری در این باره را نشان می‌دهد.

حداقل سن مسئولیت کیفری قبل از انقلاب:

قانون مجازات عمومی ایران مصوب ۱۳۰۴ اطفال را به سه دسته تقسیم کرده بود: اطفال کمتر از ۱۲ سال، اطفال بین ۱۲ تا ۱۵ سال و اطفال بین ۱۵ تا ۱۸ سال. در ماده ۳۴ قانون مذکور آمده بود اطفال غیرممیز را نمی‌توان جزائاً محکوم کرد. در امور جزایی هر طفلی که ۱۲ سال تمام نداشته باشد، حکم غیرممیز را دارد و اطفال کمتر از ۱۲ سال از مسئولیت معاف بوده و قابلیت محکومیت جزایی نداشتند. چنین اطفالی اگر مرتکب قتل هم می‌شدند، از تعقیب و مجازات معاف بودند و مراجع قضایی تکلیف داشتند که آنان را به اولیایشان تسلیم کنند (Shambayati, 2005).

قانون مجازات عمومی سال ۱۳۰۴ در سال ۱۳۵۲ لغو شد و قانون مجازات عمومی جدید در ۷ خرداد ۱۳۵۲ به تصویب رسید که در ماده ۳۳ آن چنین آمده بود: «نسبت به جرایم اطفال، قانون سال ۵۲ حداقل سن مسئولیت کیفری را تغییر نداد و همان سن مندرج در ماده ۴ قانون تشکیل دادگاه اطفال بزهکار را معتبر دانست».

حداقل سن مسئولیت کیفری پس از انقلاب اسلامی:

اولین قانون مجازات اسلامی پس از انقلاب در مورخه ۱۳۶۱/۷/۲۱ به تصویب رسید و به موجب ماده ۲۶ این قانون، «اطفال در صورت ارتکاب جرم مبری از مسئولیت شناخته شدند». کنوانسیون حقوق کودک در سال ۱۳۸۱ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید که در حکم قوانین داخلی می‌باشد و «لایحه رسیدگی به جرایم کودکان و نوجوانان» در تاریخ ۱۳۸۲ به مجلس شورای اسلامی فرستاده شد، اما در نهایت مجلس مقررات مربوط به اطفال را به دو بخش ماهوی و شکلی تقسیم نمود. بخش ماهوی را در قانون مجازات اسلامی از ماده ۸۴ تا ۹۵ و بخش شکلی را از ماده ۲۸۵ تا ۲۸۷ و ۴۰۸ تا ۴۱۷ در قانون آیین دادرسی کیفری پیش‌بینی نمود. سرانجام این دو قانون پس از تصویب به اجرا درآمدند. ارزیابی کلی نشان می‌دهد که خلأ در مورد تحقیقات مقدماتی، ایجاد پلیس ویژه نوجوانان، پرونده شخصیت و رسیدگی، صدور رأی و اجرای حکم در مورد دادرسی نوجوانان تا حدودی رفع شده است (Moazzami, 2015).

قواعد ماهوی و شکلی رسیدگی به جرایم اطفال

حذف جنسیت از مجازات‌های کودکان و نوجوانان، اعمال مجازات تدریجی به جای مجازات دفعی و تعیین سن مسئولیت کیفری به شمسی، رسمیت یافتن انجام خدمات عمومی رایگان به‌عنوان مجازات جایگزین، از دیگر مزیت این قانون است. از مهم‌ترین ویژگی‌های این قانون آوردن بخش مجازات‌های کودکان و نوجوانان و دسته‌بندی افراد زیر ۱۸ سال به افراد زیر ۹ سال، ۹ تا ۱۵ سال و ۱۵ تا ۱۸ سال است؛ زیرا می‌توان برای هرکدام مجازاتی در نظر گرفت و افراد زیر ۹ سال هم به‌طور کلی فاقد مسئولیت کیفری هستند. در جرایمی که مستوجب حدود و قصاص است، برای افراد ۱۵ تا ۱۸ سال به قاضی اختیار داده شده تا برای اثبات رشد عقلی کودک از نظرات کارشناسان پزشکی قانونی استفاده کند. هرچند در این قانون قصاص به‌صورت کامل حذف نشده، اما همین که نظر یک متخصص گرفته می‌شود به عدالت نزدیک‌تر است.

همچنین پیش از این در مورد مجازات کودکان و بزرگسالان در جرایم تعزیری تفکیکی وجود نداشت، اما در حال حاضر، علاوه بر اینکه جرایم درجه‌بندی شده‌اند، به‌صورت خاص برای جرایم افراد ۱۵ تا ۱۸ سال مجازات نگهداری در کانون اصلاح و تربیت به همراه پرداخت جریمه نقدی تعیین شده است، ضمن اینکه می‌بایست ضرر و زیان‌های مالی و دیه فرد شاکی پرداخت شود.

تحول مهم دیگر این قانون این است که افراد زیر ۱۸ سال به زندان محکوم نمی‌شوند، اما برای تربیت به مراکز تربیتی همچون کانون اصلاح و تربیت منتقل می‌شوند و چنانچه والدین صلاحیت نگهداری آنان را نداشته باشند، برای تربیت به شخص حقیقی یا حقوقی صالحی سپرده می‌شوند؛ البته این موضوع به‌صورت رویه وجود داشت، اما قانونی نبود. همچنین در ماده ۸۹ تأکید گردیده که دادگاه می‌تواند در حکم طفل یا نوجوان یک بار تجدیدنظر کند و آن را به یک‌سوم کاهش دهد.

با توجه به اینکه کودکان و نوجوانان معارض قانون غالباً قربانی شرایط نامناسب و غیرانسانی‌اند و نیازمند توجه ویژه به نظر می‌رسد و با اجرایی شدن این قانون و راه‌اندازی مراکز اصلاح و تربیت در شهرهای فاقد کانون، شرایط عادلانه‌تری برای این قبیل افراد فراهم گردد (مواد ۸۷ تا ۹۰ ق.م.ا.).

قواعد شکلی رسیدگی به جرایم اطفال:

ایجاد پلیس ویژه نوجوانان و رسیدگی به پرونده نوجوانان به‌صورت مستقیم در دادگاه‌ها و تقسیم دادگاه‌های کیفری به اقسام مختلف، یک، انقلاب اسلامی، نظامی و دادگاه اطفال و نوجوانان (ماده ۲۹۴) و همچنین تقسیم کودکان به دو دسته افراد بالا و زیر ۱۵ سال مقرر شده، جرایم ۱۵ تا ۱۸ سال به‌غیر از جرایم موضوع ماده ۳۰۶ و ۳۰۴ در دادسرا رسیدگی شود (ماده ۲۸۵). بدین ترتیب، در قانون جدید آیین دادرسی کیفری یک مرجع اختصاصی تحت عنوان دادسرای تخصصی اطفال و نوجوانان در معیت دادگاه اطفال و نوجوانان در آن محل، به سرپرستی یکی از معاونان دادستان و با حضور یک یا چند بازپرس تشکیل می‌شود. تحقیقات مقدماتی افراد زیر ۱۵ سال به‌طور مستقیم در دادگاه اطفال و نوجوانان به عمل می‌آید و در جرایم مشهود، ضابطان دادگستری ضمن حفظ آثار، علائم و دلایل جرم، اجازه تحقیقات مقدماتی از طفل و نوجوانان را ندارند و در صورت دستگیری وی موظفند متهم را حسب مورد فوری به دادسرا یا دادگاه اطفال و نوجوانان تحویل دهند. اما باید یادآور شد که به موجب ماده ۲۸۷ قانون جدید، در جریان تحقیقات مقدماتی، مرجع قضایی اطفال و نوجوانان را به والدین یا اولیا یا سرپرستان قانونی یا در صورت فقدان یا دسترسی نداشتن به آنان، به هر شخص حقیقی یا حقوقی که مصلحت بداند می‌سپارد تا نسبت به معرفی طفل یا نوجوان به مرجع قضایی در موقع لزوم اقدام کنند. افراد ۱۵ تا ۱۸ سال نیز شخصاً ملزم به معرفی خود به دادگاه هستند. به منظور جلوگیری از درگیری نوجوانان در فرآیند رسمی دادرسی، پلیس ویژه اطفال و نوجوانان و رسیدگی به پرونده‌های کودکان و نوجوانان به‌طور مستقیم در دادگاه‌ها، همچنین استفاده از راهکارهای عدالت ترمیمی و امکان برگزاری جلسات رسیدگی با تعدد مقامات رسیدگی‌کننده، مثل مددکاران اجتماعی همراه با قضات، نیز پیش‌بینی شده است.

از دیگر نوآوری‌های قانون جدید آیین دادرسی کیفری، پیش‌بینی نهادهای مدنی در بحث دادرسی اطفال و نوجوانان است که به این نهاد اجازه داده شده است که در حوزه دادرسی اطفال شرکت داشته باشند. در ماده ۶۶ قانون مزبور به سازمان‌های مردم‌نهاد اختیار داده شده است که نسبت به جرایم ارتکابی مربوط به اطفال و نوجوانان اعلام جرم کنند، در مراحل دادرسی شرکت و نسبت به آرای مراجع قضایی اعتراض کنند. علاوه بر آن، این سازمان‌ها می‌توانند تقاضای تعقیب کیفری را داشته و در فرآیند دادرسی کیفری دخالت داشته باشند. ایجاد نهادهای

جدید معافیت از کیفر و تعلیق صدور حکم مجازات در کل جرایم، نظام نیمه‌آزادی محکومان و مجازات‌های جایگزین زندان نیز از جمله نوآوری‌های این قانون می‌باشد.

ضرورت تشکیل دادگاه ویژه اطفال

به منظور تأمین هدف مقدس حمایت از منافع و مصالح عالیه کودکان و نوجوانان معارض با قانون، با وجود اینکه اصل تساوی افراد در برابر قانون و دادگاه‌ها در قوانین اساسی (اصول ۱۹ و ۲۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران) متضمن ممانعت از تشکیل دادگاه‌های ویژه در رسیدگی به جرایم گروه‌های اجتماعی خاص است، لیکن با توجه به دستاوردهای علوم جنایی و جرم‌شناسی و توصیه اسناد بین‌المللی، در نظام‌های دادرسی کیفری غالب کشورها، دادگاه ویژه اطفال با صلاحیت اختصاصی رسیدگی به اتهامات اطفال و نوجوانان تشکیل شده است (Danesh, 2006).

بند سوم قسمت (ب) ماده ۴۰ پیمان حقوق کودک، تشکیل مرجع قضایی واجد صلاحیت، مستقل و بی‌طرف را در مورد رسیدگی به اتهام اطفال و نوجوانان پیش‌بینی و مقرر کرده است.

در حقوق ایران تا قبل از تشکیل دادگاه‌های اطفال مصوب سال ۱۳۳۸، مرجع قضایی مستقل واجد صلاحیت برای رسیدگی به اتهام اطفال و نوجوانان پیش‌بینی نشده بود. با تصویب قانون مزبور، دادگاه ویژه اطفال پیش‌بینی و مقرر گردید. با تصویب قانون اصلاح برخی از مواد قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۶۱ و تشکیل دادگاه‌های کیفری ۱ و ۲، حسب رأی وحدت رویه قضایی شماره ۶-۶۴/۲/۲۳، دادگاه ویژه اطفال از نظام قضایی حذف و رسیدگی به اتهامات اطفال و نوجوانان بر حسب نوع و شدت جرم ارتکابی در صلاحیت دادگاه‌های کیفری ۱ و ۲ قرار گرفت (Naji Zavareh, 2016).

با توجه به اینکه خلأیی که در این زمینه وجود داشت، مقنن بر آن شد تا جهت رفع خلأ مذکور وفق تبصره ماده ۸ آیین‌نامه اجرای قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب سال ۷۳ مقرر نماید که رئیس قوه قضائیه می‌تواند در هر حوزه قضایی، هریک از قضات دادگاه‌های عمومی را با ابلاغ خاص برای رسیدگی به اتهامات اطفال و نوجوانان منصوب نماید.

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، حسب تبصره فوق‌الذکر دادگاه‌های ویژه‌ای برای رسیدگی به اتهامات اطفال و نوجوانان پیش‌بینی نشده بوده است، بلکه شعبی از دادگاه‌های عمومی به اختیار رئیس قوه قضائیه می‌تواند برای این امر اختصاص یابد. همین رویه به موجب ماده ۲۱۹ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری سابق مصوب سال ۷۸ ادامه یافت. ماده ۲۱۹ سابق مقرر می‌داشت:

«در هر حوزه قضایی و در صورت نیاز یک یا چند شعبه از دادگاه‌های عمومی برای رسیدگی به کلیه جرایم اطفال اختصاص داده می‌شود».

در سابق، با توجه به اینکه در نظام قضایی ایران دادگاه ویژه اطفال موضوعیت نداشت و مقنن دادگاه تخصصی و ویژه‌ای را که انحصاراً به اتهامات اطفال و نوجوانان رسیدگی کند پیش‌بینی و مقرر نکرده بوده، این یکی از نقائص عمده نظام قضایی ایران در دادرسی کیفری اطفال محسوب می‌شد. اما در حال حاضر و با تصویب و اجرایی شدن قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و اصلاحی آن در تاریخ ۱۳۹۳/۳/۱۴، تا حدودی این نقائص برطرف گردید و مقنن به تصویب ماده ۳۰۴ قانون مزبور که مقرر می‌دارد:

«به کلیه جرایم اطفال و افراد کمتر از هجده سال تمام شمسی در دادگاه اطفال و نوجوانان رسیدگی می‌شود» و در تبصره این ماده مقرر می‌دارد که: «طفل، کسی است که به حد بلوغ شرعی نرسیده است، همان‌طوری که قبلاً بدان اشاره شد، سن شرعی در دختران نه سال تمام شمسی و در پسران ۱۵ سال تمام شمسی می‌باشد» و همچنین مقنن در ماده ۳۱۵ قانون مزبور مقرر می‌دارد: «جرایم مشمول صلاحیت دادگاه کیفری یک

و همچنین دادگاه انقلاب، در مواردی که با تعدد قاضی رسیدگی می‌شود، اگر توسط افراد بالغ زیر هجده سال تمام شمسی ارتکاب یابد، در دادگاه کیفری یک ویژه رسیدگی به جرایم نوجوانان رسیدگی و متهم از کلیه امتیازاتی که در دادگاه اطفال و نوجوانان اعمال می‌شود بهره‌مند می‌گردد».

صلاحیت دادگاه اطفال

صلاحیت را می‌توان عبارت دانست از توانایی و نیز الزام دادگاه به رسیدگی دعوا و از این منظر، صلاحیت دادگاه اطفال جرایمی را در بر می‌گیرد که مطابق قانون بر عهده آن واگذار شده است. این صلاحیت از امور و قواعد آمره است و از این رو اراده افراد تأثیری در آن ندارد. مطابق ماده ۳۰۴ ق.آ.د.ک که مقرر می‌دارد: «صلاحیت دادگاه اطفال تمامی جرایم افراد کمتر از ۱۸ سال تمام خورشیدی را در بر می‌گیرد» و براساس تبصره ماده مزبور، درخصوص افرادی که در حین رسیدگی سن آن‌ها از هجده سال تمام تجاوز نماید، رسیدگی به اتهام وی مطابق قانون در دادگاه اطفال و نوجوانان ادامه می‌یابد و چنانچه قبل از شروع به رسیدگی سن متهم از هجده سال تمام تجاوز نماید، رسیدگی به اتهام وی حسب مورد در دادگاه کیفری صالح صورت می‌گیرد. در این صورت، متهم از کلیه امتیازاتی که در دادگاه اطفال و نوجوانان اعمال می‌شود بهره‌مند می‌گردد».

در واقع، ایجاد دادگاه مناسب و صلاحیت‌دار از تضمین‌های بارز دادرسی عادلانه به شمار می‌رود؛ زیرا تناسب دادگاه با نوع بزهکاری و بزهکار و نیز صلاحیت داشتن دادگاه سبب افزایش دقت در رسیدگی‌های کیفری می‌شود. تحت تأثیر همین رویکرد، سیاست‌گذاران جنایی با توجه به معیارهایی از قبیل شدت جرم ارتکابی، جنس بزهکاران و سن آنان، به دسته‌بندی دادگاه‌ها برای برقراری تناسب بیش‌تر میان دادگاه رسیدگی‌کننده و پدیده بزهکاری و بزهکار مبادرت ورزیدند (Khaleghi, 2015).

بنابراین، ایجاد دادگاه مناسب موجبات رسیدگی کیفری ویژه را برای این دسته از مجرمان فراهم می‌کند. شرط لازم برای صلاحیت دادگاه اطفال و نوجوانان، سن مرتکب در زمان ارتکاب جرم است، نه در زمان تعقیب. اما این شرایط کافی نیست و لازم است که علاوه بر آن، سن مرتکب «قبل از شروع به رسیدگی» از هجده سال تجاوز نکند. در این خصوص حالت‌های مختلف قابل تصور است.

حالت اول: سن مرتکب در زمان ارتکاب جرم و همچنین زمان شروع و ختم رسیدگی، کمتر از هجده سال تمام شمسی است.

حالت دوم: سن مرتکب در زمان ارتکاب جرم و همچنین قبل از شروع رسیدگی کمتر از هجده سال تمام شمسی باشد، ولی در حین رسیدگی و قبل از ختم آن، وی از هجده سال تمام شمسی تجاوز کند.

حالت سوم: سن مرتکب در زمان ارتکاب جرم، کمتر از هجده سال تمام شمسی بوده، ولی قبل از شروع به رسیدگی، سن وی از هجده سال تمام شمسی تجاوز کند.

در حالت‌های اول و دوم، دادگاه اطفال و نوجوانان حسب مورد واجد صلاحیت رسیدگی است. در حالت سوم، رسیدگی به اتهام در دادگاه کیفری صالح، حسب مورد دادگاه‌های کیفری یک، دو یا دادگاه انقلاب، انجام می‌گیرد (Naji Zavareh, 2016).

شیوه انتخاب، شرایط و اختیارات قضات اطفال

شیوه انتخاب و شرایط قضات اطفال و نوجوانان:

از دیگر ویژگی‌های دادگاه اطفال، دادرسان صالح و شایسته برای رسیدگی به جرم‌های اطفال و نوجوانان است. در دادگاه اطفال معمولاً با گذراندن دوره‌های آموزشی خاص، داشتن تجربه و غیره این شایستگی را کسب می‌کنند که در این خصوص طبق ماده ۴۰۹ ق.آ.د.ک که مقرر

می‌دارد: «قضات دادگاه و دادسرای اطفال و نوجوانان را رئیس قوه قضائیه از بین قضاتی که حداقل پنج سال سابقه خدمت قضایی دارند و شایستگی آنان را برای این امر، با رعایت سن و جهات دیگر از قبیل تأهل، گذراندن دوره آموزشی و ترجیحاً داشتن فرزند، محرز بداند انتخاب می‌کند». در واقع، قضات دادگاه اطفال پس از احراز این شرایط توسط رئیس قوه قضائیه انتخاب خواهند شد.

اختیارات قاضی دادگاه اطفال و نوجوانان:

قاضی یک محور مرکزی در دادگاه اطفال است و وظایف و اختیارات قاضی متنوع است. پیشنهاد دستگیری، تعقیب، بازجویی پیش از ورود به رسیدگی، همچنین تصمیم‌گیری در مورد بازداشت طفل پیش از محاکمه و تصمیم‌گیری در مورد صدور حکم برای نوجوانان، بررسی مدارک پرونده برای رسیدگی به جرم، راهنمایی قاضی به طفل در مورد حقوق طفل و رسیدگی به جرم اطفال با یک «رفتار اقتضایی» و همچنین صرف‌نظر از رسیدگی رسمی و صدور حکم، با در نظر گرفتن حق تجدیدنظرخواهی برای اطفال و ... باید توسط قاضی انجام گیرد.

فرآیند دادرسی اطفال قبل از محاکمه

فرآیند دادرسی کیفری اطفال ناظر است بر تشریفات خاصی که برای کشف، تعقیب، تحقیقات مقدماتی، دادرسی و اجرای حکم در مورد جرم ارتکابی اعمال می‌شود.

تماس اولیه طفل با پلیس (نیروی انتظامی)

مأمورین نیروی انتظامی که مسئول حفظ نظم و آرامش در اجتماع، کشف جرم، دستگیری بزهکاران و پیشگیری از وقوع جرائم می‌باشند، غالباً قبل از مقامات قضایی از وقوع جرم مطلع شده، تحقیقات مقدماتی را به عمل می‌آورند. نظر به اینکه اطفال و نوجوانان دارای طبعی حساس و زودرنج بوده و عواقب وخیم اعمال خود را درک نمی‌کنند، برخورد اولیه مقامات انتظامی تأثیر عمیقی در روحیه آنان باقی می‌گذارد. هرگاه مأمورین انتظامی با آنان مؤدبانه رفتار نموده و با خونسردی و احترام اشتباه آنان را گوشزد و لزوم رعایت قوانین و مقررات اجتماعی را یادآور شوند، اطفال و نوجوانان از عمل خویش اظهار ندامت خواهند نمود.

خشونت و تحقیر و توهین، حس انتقام‌جویی و سرکشی را تقویت و آنان را نسبت به اجتماع خواهد کرد. به منظور اجرای عدالت اجتماعی در یک جامعه پیشرفته که هدف نیل به درجات عالی بسیار پیچیده ترقی است، مأمورین پلیس باید از بین داوطلبین باهوش که از لحاظ جسمی و روانی سالم هستند انتخاب شوند (Danesh, 2006).

کشف جرم

کشف بزه به عهده پلیس قضایی است که بلافاصله بعد از اطلاع از وقوع جرم باید اقداماتی را برای حفظ آثار و علائم جرم و جلوگیری از فرار یا اختفای متهم که ضروری است، انجام دهد و مراتب را به دادسرای مستقل بر حسب مورد اعلام نماید (Akhoundi, 1989).

میانجی‌گری

برخلاف بسیاری از تأسیسات حقوقی که مبنای نهادینه شدن آن‌ها مبانی نظری و عقلی است که بروز آن‌ها در عالم خارج به‌صورت عملی و عینی خواهد بود، میانجی‌گری کیفری از دیرباز در جوامع مختلف به‌طور عملی پا به عرصه وجود گذاشت. فلسفه ظهور میانجی‌گری را باید در ظهور تفکر عدالت ترمیمی جست‌وجو کرد که ناکارآمدی نظام عدالت ترمیمی سنتی در مبارزه با بزهکاری و به تبع آن افزایش مجرمیت و عدم موفقیت نظام سنتی در بازپذیری مجرمان، توجه صاحب‌نظران را به ایجاد سازوکارهای خارج از فرآیند کیفری رسمی جلب نمود. در واقع، کاربرد میانجی‌گری بیش‌تر در مواردی است که به جای پیگرد از رهگذر قضایی بتوان میانجی‌گری و جبران خسارات را اولویت داد و

برگزید. ارزیابی‌ها نشان می‌دهد که جبران خسارت و میانجی‌گری پاسخ پذیرفتنی و کارآمدی در جرم‌های فرد است که می‌توان از آن برای قضازدایی در پرونده‌های کوچک و کم‌اهمیت بهره‌گیری کرد. به همین جهت، طرح‌های میانجی‌گری تصویری از عدالت را نشان می‌دهد که بار قهرآمیز کمتری نسبت به عدالت جنایی سنتی دارند و بیش‌تر به ترویج گفت‌وگو و انصاف در حل‌وفصل اختلاف‌ها مربوط می‌شوند (Zeyd Shafiei, 2007).

تحقیقات مقدماتی

پس از مرحله کشف جرم، برای شناسایی شخصیت بزهکار و علل و انگیزه وی، نسبت به فرد مظنون تحقیقات مقدماتی انجام می‌شود. البته فرد مظنون ممکن است همان فرد بزهکار باشد و یا اینکه بعد از انجام تحقیقات و رسیدگی و تعقیب، بزهکاری او محرز نگردد. به هر حال، تحقیقات مقدماتی اصولاً توسط بازپرس صورت می‌گیرد که برای تکمیل پرونده و همچنین ارائه مدارک لازم در مرحله دادرسی، به‌ویژه در جرایم مهم، حائز اهمیت است.

در دادرسی اطفال و نوجوانان بزهکار، تحقیقات مقدماتی سریع انجام می‌گیرد؛ زیرا هدف از کشف و تعقیب و تحقیق و دادرسی، اصلاح و درمان و یا تربیت فرد برای عادت دادن به زندگی عادی است. گاهی اوقات قاضی دادگاه ضمن بازجویی از بزهکار نوجوان به پاره‌ای از مسائل خانوادگی و مشکلات زندگی او پی می‌برد. در این مورد نیز لازم است که قاضی تدابیر مقتضی اتخاذ نموده و راه‌حلی برای رفع مشکل او برگزیند. از جمله در مواردی که قاضی اطفال ضمن بازجویی متوجه شود که طفل به علت فقدان پدر و مادر و یا زندانی شدن و طرد کودک، سرپرست دلسوزی ندارد، او را به اشخاصی که عهده‌دار اطفال بدسرپرست هستند بسپارد (Moazzami, 2015).

با استناد به ماده ۲۸۵ ق.آ.د.ک که مقرر می‌دارد: «در معیت دادگاه اطفال و نوجوانان و در محل آن، شعبه‌ای از دادسرای عمومی و انقلاب با عنوان دادسرای ویژه نوجوانان، به سرپرستی یکی از معاونان دادستان و با حضور یک یا چند بازپرس تشکیل می‌شود. تحقیقات مقدماتی جرایم افراد پانزده تا هجده سال، به‌جز جرایم موضوع مواد ۳۰۶ و ۳۴۰ این قانون که به‌طور مستقیم از سوی دادگاه صورت می‌گیرد، در این دادسرا به عمل می‌آید» و همچنین براساس تبصره یک ماده مارالذکر، تحقیقات مقدماتی تمامی جرایم افراد زیر پانزده سال به‌طور مستقیم در دادگاه اطفال و نوجوانان به عمل می‌آید و دادگاه مذکور کلیه وظایفی را که طبق قانون بر عهده ضابطان دادگستری و دادسرا است انجام می‌دهد.

نهایتاً اینکه دادسرای ویژه نوجوانان در معیت دادگاه اطفال و نوجوانان قرار دارد و دادگاه مزبور علاوه بر «رسیدگی مستقیم» به جرایم افراد زیر پانزده سال، به جرایم پانزده تا زیر هجده سال نیز پس از تعقیب و تحقیق و صدور کیفرخواست در دادسرای ویژه نوجوانان رسیدگی می‌کند (Naji Zavareh, 2016).

فرآیند دادرسی اطفال ضمن محاکمه

فرآیند دادرسی کیفری اطفال در مرحله ضمن محاکمه، ناظر است بر چگونگی تشریفات رسیدگی که از سوی مقامات صالح صورت می‌گیرد.

عدم بازداشت طفل در ضمن محاکمه:

توقیف احتیاطی یا قرار بازداشت متهم‌ها مهم‌ترین تأمین جزایی است که قانون، اعمال آن را تحت ضوابط و شرایطی در اختیار قضات کیفری قرار داده است. این نوع تأمین و ابزارها در رسیدگی به امر کیفری ضروری است، ولی افراط و استفاده بی‌رویه، به‌ویژه بدون رعایت ضوابط قانونی از آن، اقدامی مضر علیه منافع عمومی و آزادی‌های فردی است (Khazaei, 1998).

قرار بازداشت شدیدترین تصمیم مقام قضایی در فرآیند کیفری به شمار می‌رود. بر پایه آن، آزادی متهمان تا هنگام تصمیم نهایی در زمینه بزهکاری سلب می‌شود. این قرار، با وجود فوایدی مانند جلوگیری از فرار متهم و تبانی او با همکاران خود در ارتکاب جرم، با اشکالات مهمی مانند پرهزینه بودن، جرم‌زا بودن، ایجاد اختلال در روند زندگی متهم و خانواده او روبه‌رو می‌باشد.

رسیدگی بدون تأخیر

سرعت بخشیدن به دادرسی کیفری از نظر حقوق بشر و آموزه‌های جرم‌شناختی بسیار درخور توجه است. رسیدگی کیفری بدون تأخیر، از یک سو سبب می‌شود تا متهم بی‌جهت در فرآیند کیفری باقی نماند و از سوی دیگر، به متهم و جامعه هشدار می‌دهد که در صورت ارتکاب جرم، به‌سرعت از سوی نظام عدالت کیفری به آن پاسخ داده می‌شود. بنابراین، رسیدگی بدون تأخیر سازوکاری مناسب برای پیشگیری از تضییع حقوق و آزادی‌های شهروندان به شمار می‌رود (Taghipour, 2006).

رسیدگی به پرونده اطفال و نوجوانان باید بدون تأخیر غیرضروری و در اسرع وقت صورت گیرد. سرعت در رسیدگی به پرونده‌های نوجوانان موضوع مهمی است و اگر رسیدگی سریع پیش نرود، آنچه از رسیدگی برای حل‌وفصل امور حاصل می‌شود ممکن است در معرض مخاطره قرار گیرد (Moazzami, 2015).

غیرعلنی بودن دادرسی

در دادرسی‌های کیفری، اصل بر علنی بودن دادرسی کیفری است که بر پایه این اصل همه شهروندان می‌توانند در فرآیند رسیدگی کیفری حضور پیدا کنند تا از یک سو، با وجود قضاوت افکار عمومی، مقام‌های قضایی با دقت بیش‌تری تصمیم‌گیری کنند و از سوی دیگر، سایر شهروندان با مشاهده محاکمه بزهکاران عبرت گرفته و از ارتکاب جرم منصرف شوند (Goldoust Jouybari, 2007). لذا در پرتو مقررات عام کیفری، علنی بودن محاکمه‌های کیفری کودکان بزهکار، این اصل تعدیل می‌شود. بدین‌سان، تصمیم‌گیران سیاست جنایی برای حفظ حریم خصوصی کودکان و جلوگیری از زدن برچسب مجرمانه به این دسته از بزهکاران، غیرعلنی بودن محاکمه‌های کیفری را در شمار تضمین‌های دادرسی عادلانه قرار می‌دهند. در قلمرو حقوق کیفری شکلی ناظر به بزهکاری کودکان، غیرعلنی بودن رسیدگی کیفری از مصداق‌های دادرسی عادلانه است.

در واقع، اسرار زندگی خصوصی و هویت طفل از حقوق مسلم او به شمار می‌رود که بایستی در تمام مراحل دادرسی محترم شمرده شود و از انتشار جریان دادرسی طفل در رسانه‌های گروهی و ارتباطات جمعی ممانعت به عمل آید (Danesh, 2006).

تشکیل پرونده شخصیت

برای تشکیل پرونده شناسایی شخصیت اطفال و نوجوانان، متخصصین، مددکاران اجتماعی، پزشک، روان‌پزشک، روان‌شناس و مراقبین، عواملی را که در شخصیت طفل مؤثر بوده و او را به ارتکاب جرم و یا بروز حالت خطرناک سوق داده، با نهایت دقت مورد بررسی و آزمایش قرار می‌دهند تا در حدود امکان به شخصیت فرد و آزمون‌شونده پی ببرند. نتایج مطالعه و آزمایش‌های مختلف کتباً ضمیمه پرونده شناسایی شخصیت آزمون‌شونده شده و با دیگر گزارشات تطبیق داده می‌شود تا اگر نقصی یا تناقضی در اظهارنظر وجود دارد، برای رفع آن‌ها بررسی‌ها و آزمایش‌ها تکرار گردد تا نتیجه مطلوب کامل به دست آید (Danesh, 2006).

در همه موارد، جز مواردی که به جرم‌های کم‌اهمیت مربوط می‌شوند، پیش از آنکه مقام صالح رأی محکومیت نهایی را صادر کند، پیشینه و اوضاع و احوالی که نوجوان در آن به سر می‌برد و شرایطی که جرم در آن وقوع می‌یابد، باید به‌درستی مورد بررسی قرار گیرند تا صدور رأی

قضایی از سوی مقام صالح به‌آسانی صورت پذیرد. با استناد به ماده ۲۸۶ ق.آ.د.ک که مقرر می‌دارد: «علاوه بر موارد مذکور در ماده ۲۰۳ این قانون، در جرایم تعزیری درجه پنج و شش نیز تشکیل پرونده شخصیت در مورد اطفال و نوجوانان توسط دادسرا و یا دادگاه اطفال و نوجوانان الزامی است».

قرارهای تأمین کیفری

قرارهای تأمین قابل اجرا در مورد اطفال و نوجوانان بزهکار را می‌توان مطابق ماده ۲۸۷ در دو دسته مورد بررسی قرار داد که بسته به شرایط سنی اطفال متفاوت خواهد بود. بدین ترتیب، زمانی که کودک کمتر از ۱۵ سال داشته باشد، تنها می‌تواند موضوع دو مورد قرار تأمین واقع شود که عبارتند از:

الف: سپردن طفل به والدین یا سرپرست قانونی و ب: در صورت فقدان یا عدم دسترسی یا امتناع از پذیرفتن آنان توسط والدین یا سرپرست قانونی، سپردن به هر شخص حقیقی یا حقوقی که دادگاه یا دادسرا مصلحت بداند. در واقع، این سهل‌گیری از آن روست که اطفال با این شرایط سنی به والدین و اطرافیان خود وابسته بوده و دوری از آن‌ها می‌تواند او را آزار دهد. اما افراد بالای پانزده سال نیز می‌توانند موضوع یکی از قرارهای زیر واقع شوند که عبارتند از: ۱- سپردن به والدین یا سرپرست قانونی؛ ۲- در صورت فقدان یا عدم دسترسی یا امتناع از پذیرش آنان توسط والدین یا سرپرست قانونی، سپردن به هر شخص حقیقی یا حقوقی؛ ۳- صدور قرار کفالت؛ ۴- صدور قرار وثیقه؛ و ۵- نگهداری موقت آنان در کانون اصلاح و تربیت، در صورت عجز از معرفی کفیل یا ایداع وثیقه و یا در مورد جرایم پیش‌بینی‌شده در ماده ۲۳۷ قانون آیین دادرسی کیفری، دادسرا یا دادگاه می‌تواند با رعایت ماده ۲۳۸ قانون مزبور قرار نگهداری موقت در کانون اصلاح و تربیت را صادر نماید.

حقوق قانونی اطفال در ضمن محاکمه

الف: حق تفهیم اتهام

از مرحله کشف جرم و شناسایی بزهکار، انجام تحقیقات مقدماتی و سپس ارجاع طفل به مقام صالح برای رسیدگی به اتهام عمل ارتکابی، باید با تفهیم اتهام برای طفل صورت گیرد. در اصل، حق آگاهی یافتن از موارد اتهام را دارد. تفهیم اتهام از جمله حقوق اساسی بزهکاران در فرآیند دادرسی کیفری به شمار می‌آید. بر پایه این حق، چرایی محدود کردن آزادی شهروندان، انتساب جرم به آنان و حضور آنان در فرآیند دادرسی تبیین می‌شود. از این رو، با توجه به اینکه اصل بر برائت شهروندان است، متهم کردن آنان از یک سو باید بر دلایل موجه مبتنی باشد و از سوی دیگر، شهروندان همواره باید حق دسترسی به اطلاعات مربوط به این امر را داشته باشند تا از این رهگذر بتوانند دلایل مناسب را برای دفاع از خود جمع‌آوری و ارائه کنند. به بیان دیگر، هرگاه متهمان از نوع اتهام و دلایل آن ناآگاه باشند، نمی‌توانند به‌درستی یا در وقت مناسب به دفاع از خویش در فرآیند دادرسی بپردازند.

ب: ترافعی بودن دادرسی

برابری سلاح‌ها میان متهمان، بزه‌دیدگان و دادستان‌ها از بارزترین حقوق دفاعی متهمان به شمار می‌رود. بر پایه این اصل، متهمان باید از حقوق برابر با دیگر طرف‌های دعاوی کیفری بهره‌مند باشند. حق متهم بر امکان پرسش و پاسخ از گواهان له و علیه، یکی از مهم‌ترین مصداق‌های این حق به شمار می‌رود. بر پایه این حق، متهمان می‌توانند در هر مرحله از فرآیند دادرسی از گواهان و مطلعان سؤال کرده و اظهارات آنان را بررسی کنند.

ج: حق دسترسی به وکیل مدافع

حق داشتن وکیل امروزه در بسیاری از اسناد بین‌المللی ناظر به آیین دادرسی کیفری پیش‌بینی شده است. بر پایه این حق، متهمان می‌توانند در همه مراحل فرآیند دادرسی از حضور و مشاوره وکیل بهره‌مند شوند. بدین‌سان، وکیل به دلیل تخصص در مسائل حقوقی می‌تواند به متهمان در دفاع از خویش به گونه‌ای مطلوب کمک کند (Niazpour, 2007).

حق یک متهم کیفری جهت داشتن وکیل به بخشی بنیادین از نظام دادرسی کیفری تبدیل شده است. وکیل یا نماینده حقوقی باید در تمام مراحل رسیدگی در دسترس باشد. در مورد اطفال و نوجوانان، حق داشتن وکیل در فرآیند دادرسی نوجوانان ضروری است. وکلای مدافع نقش فعالی در تمام مراحل دادرسی دادگاه نوجوانان ایفا می‌نمایند و دانش تخصصی برای عملکرد مؤثر در دفاع ضروری است. وکیل به نوجوانان و خانواده وی کمک می‌کند و کار وی به کلیه مقاطع دادرسی که در طی آن موکل وی حق بیان مطالب خود را دارد مربوط می‌شود و وکلا نیز باید آموزش‌های ضروری را طی کنند تا با کودکان رفتاری دوستانه‌تر داشته باشند. وکلایی که درگیر پرونده‌های بسیاری می‌باشند، به‌ندرت وقت کافی برای ملاقات با موکلین خود و مطلع شدن از وضعیت زندگی و پیش‌زمینه موکل خود دارند. عدم حساسیت نسبت به احساسات موکل، به‌ویژه در موارد مربوط به سوءرفتار و مسائل جنسی، سبب کاهش کیفیت دفاع آنان از موکلین نوجوان می‌شود. یکی از مشکلات وکلای موفق و پرکار، مشغله بیش از حد این وکلا است که سبب بی‌اعتماد شدن موکلین نوجوان به آن‌هاست، به نحوی که آنان فکر می‌کنند که وکلا حامی آنان نیستند.

د: حق معرفی شاهد

معرفی گواه و شاهد از سوی طفل، از حقوقی است که در حین دادرسی می‌تواند اعمال شود. پس از بررسی شاهدان در شرایط مساوی، از سوی طفل، شاهدان می‌توانند آنچه را که دیده یا شنیده یا اطلاع خاص درباره عمل ارتکابی داشته باشند و بخواهند درباره آن به مقامات صالح قضایی خبر دهند.

هـ: حق آخرین دفاع

از دیگر حقوقی که طفل در جریان رسیدگی دارد، حق ذکر آخرین کلام دادرسی (حق دفاع) است، به این صورت که طبق قانون به او اجازه داده می‌شود پیش از صدور حکم، آخرین کلام خود را متذکر شود و در اصل با بیان آخرین کلام بتواند از خود دفاع نموده و در صورت امکان بتواند مسیر پرونده را به نفع خود تغییر دهد. حق دفاع در بسیاری از موارد می‌تواند طفل را از انتساب بزه تبرئه سازد.

فرآیند دادرسی پس از محاکمه

نحوه اتخاذ تصمیم و صدور حکم و اجرای احکام

هدف اصلی از کشف، تعقیب، تحقیقات مقدماتی و دادرسی در رسیدگی به اتهامات اطفال و نوجوانان معارض با قانون، آموزش، اصلاح و تربیت و بازسازی شخصیت و ایجاد سازگاری در آنان با ارزش‌های اخلاقی، اجتماعی و مبانی دینی است. لذا در صورتی که قضات دادگاه اطفال و نوجوانان در خاتمه تحقیقات مقدماتی و دادرسی، ارتکاب جرم را احراز کنند، باید با لحاظ ضوابط و معیارهای شناخته‌شده، اصول دادرسی و نیز اطفال مبادرت به اتخاذ تصمیم نمایند. معیارهای مزبور، تصمیمات اتخاذشده در برابر رفتار اطفال و نوجوانان بزهکار باید متناسب با شدت جرم ارتکابی، شخصیت و وضعیت خاص ایشان و فاقد شائبه آزاررسانی، سرکوب و انتقام‌گیری باشد. قضات باید مواظب باشند که سرانجام این تصمیمات، حس پرخاشگری و انتقام‌جویی و خصومت‌مداری اطفال و نوجوان بزهکار را ایجاد یا تقویت نکنند.

الف: نحوه تصمیم‌گیری:

با توجه به اوضاع و احوال خاص اطفال و نوجوانان و آسیب‌پذیری آنان، احکام صادره از دادگاه‌های اطفال در مورد متهمین زیر هجده سال از لحاظ ماهیت تفاوت چشمگیری در مقایسه با آرای صادره در مورد متهمین بزرگسال دارد. ماهیت آرای دادگاه‌های اطفال بیش‌تر جنبه ارشادی، تربیتی، اصلاحی و بازاجتماعی کردن اطفال و نوجوانان دارد و جنبه تنبیهی و کیفری کمتر مورد توجه می‌باشد؛ برخلاف آرای صادره در مورد بزرگسالان که جنبه مجازاتی و تنبیهی دارد. نحوه تصمیم‌گیری و یا چگونگی واکنش نسبت به طفل بزهکار عبارتند از: ۱- واکنش متناسب با اوضاع و احوال حاکم بر جرم؛ ۲- واکنش متناسب با سنگینی جرم؛ ۳- واکنش متناسب با منافع اطفال و نیاز جامعه. به‌طور کلی، این موارد دربردارنده اهدافی همچون اعاده حیثیت در مقابل جزای عادلانه، در نظر گرفتن شایستگی‌های فردی و حمایت جامعه، یاری‌رسانی در مقابل سرکوب و مجازات، بازدارندگی عمومی در مقابل تضعیف فردی می‌باشد.

۱- واکنش حاکم متناسب با جرم

اوضاع و احوال حاکم بر جرم یکی از عواملی است که باید مورد توجه قرار گیرد؛ زیرا گاهی این اوضاع و احوال در انگیزه ارتکاب جرم، انتخاب نوع جرم، شدت و ضعف جرم تأثیر می‌گذارد. بدین ترتیب، وضعیت سنی و جنسی، شرایط اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و آموزشی می‌تواند در وقوع جرم مؤثر باشد. کودکان خیابانی، اقلیت‌ها، مهاجران، پناهندگان، کودکان در شرایط سخت و با توجه به سن و جنس، به نوعی در معرض خطر قرار دارند و گاهی در حالت تعارض به سر می‌برند. به همین علت از اهمیت ویژه‌ای برخوردار هستند. با طفل بزهکاری که تحت چنین شرایطی مرتکب جرم می‌شود باید رفتار متفاوت و منطقی‌تری داشت و در اصل مشکلات طفل را باید به نحو دقیق و موشکافانه‌ای بررسی کرد. در واقع، قبل از آنکه مقام صالح حکم محکومیت نهایی صادر کند، پیشینه و اوضاع و احوالی که طفل یا نوجوان در آن به سر می‌برد و شرایطی که جرم در آن واقع شده باید به‌درستی بررسی شود تا صدور رأی قضایی از سوی مقام صالح به‌آسانی صورت گیرد (بند ۱ ماده ۱۶ مقررات پکن).

۲- واکنش متناسب با سنگینی جرم

این اصل به‌عنوان ابزاری برای مهار مجازات‌های سنگین در برابر مجرمان جوان، نه تنها باید بر ملاحظه موقعیت‌های فردی شامل پایگاه اجتماعی، وضع خانوادگی، آسیب ناشی از جرم یا عوامل دیگری که بر موقعیت شخص اثر می‌گذارند مبتنی باشد، بلکه باید سنگینی جرم نیز مورد مداقه واقع شود. در واقع، نظام عدالت کیفری نوجوانان باید بر رفاه و نسبی نوجوانان تأکید ورزد و تضمین نماید که هرگونه واکنشی در برابر مجرمان باید متناسب با اوضاع و احوال حاکم بر جرم و مجرم «هر دو» باشد. همچنین هرگونه واکنش نسبت به طفل بزهکار نه تنها باید منطبق با اوضاع و احوال وقوع جرم و سنگینی آن باشد، بلکه با نیازهای نوجوانان و جامعه نیز باید تناسب داشته باشد.

۳- واکنش متناسب با منافع اطفال و نوجوانان و نیاز جامعه

هنگامی که توسط طفل جرمی به وقوع می‌پیوندد، مراجع صلاحیت‌دار وارد صحنه می‌شوند و برای رسیدگی به آن جرم با طفل برخورد می‌کنند. نحوه برخورد با طفل باید دربردارنده منافع او باشد. همان‌گونه که در مرحله کشف جرم و تحقیقات مقدماتی، نحوه برخورد مرجع صالح باید با در نظر گرفتن منافع طفل باشد، در مرحله تصمیم‌گیری نیز این مهم باید اعمال گردد. مشکل اساسی هنگامی بروز می‌نماید که منافع اطفال و نوجوانان در مقابل منافع جامعه قرار می‌گیرد و طرف مقابل مجبور شود یا منافع طفل را تأمین کند یا منافع جامعه را که در این

صورت ابتدا باید منافع اطفال مورد توجه قرار گیرد. بنابراین، قاضی صادرکننده رأی هنگام تصمیم‌گیری در مورد موضوع، نوع و میزان مجازات باید ملاحظه نماید که چه مجازاتی و به چه اندازه می‌تواند برای طفل مؤثر باشد و بیش‌تر تضمین‌کننده منافع اوست.

ب: صدور حکم

بعد از اتمام رسیدگی، نوبت به صدور حکم می‌رسد. در صدور حکم نیز باید منافع عالیه اطفال و نوجوانان مدنظر دادگاه قرار بگیرد و یا به عبارت دیگر، تعیین مجازات‌ها باید براساس «کودک‌محوری» صورت بگیرد. در واقع، صدور رأی مهم‌ترین مرحله در دعاوی اطفال و نوجوانان است که برخی متخصصین مرحله صدور رأی را قلب فرآیند دادرسی اطفال و نوجوانان توصیف می‌کنند. باید در مورد اطفال و نوجوانان بزهکار مطابق با ارزش و شئونات آن‌ها رفتار شود، به گونه‌ای که موجب افزایش احترام کودک نسبت به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی دیگران شده و باعث سازش وی با جامعه گردد (ماده ۴ کنوانسیون حقوق کودک).

با توجه به قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، اطفال و نوجوانان از نظر مسئولیت به سه گروه تقسیم می‌شوند. دادگاه با توجه به اوضاع و احوال محکوم‌علیه و محتویات پرونده می‌تواند مجازات‌های ذیل را علیه اطفال و نوجوانان بزهکار صادر نماید.

۱- مجازات بزهکار بین سنین ۹ تا ۱۵ سال:

درباره اطفالی که مرتکب جرائم تعزیری می‌شوند و سن آن‌ها در زمان ارتکاب نه تا پانزده سال شمسی است، حسب مورد دادگاه یکی از تصمیمات ذیل را اتخاذ می‌کند:

تسلیم طفل به والدین یا اولیا یا سرپرست قانونی جهت حمایت و نظارت

دادگاه اطفال یا مقام صلاحیت‌دار، پس از احضار والدین یا سرپرست قانونی طفل و پس از تشریح علل ارتکاب جرم، آنان را متوجه سهل‌انگاری و قصورشان نسبت به هدایت و تربیت طفل نموده و لزوم مراقبت در محل تحصیل، اوقات فراغت، محیط کار و تربیت طفل، رفع اختلالات و ایجاد حسن تفاهم و تحکیم محبت در محیط‌های خانواده را متذکر و پس از اخذ تعهد نسبت به تأدیب و تربیت و مواظبت در حسن رفتار و اخلاق، طفل را به اولیا یا سرپرست قانونی او می‌سپارد.

قرار آزادی توأم با مراقبت و راهنمایی

قرار آزادی توأم با مراقبت و راهنمایی در مواردی که جرم از جرایم جدی نباشد بیش‌ترین کاربرد را دارد و پیش از اینکه طفل به مؤسسه و یا نهاد اعزام گردد، این تصمیم برای او اعمال می‌گردد. در این روش، طفل در محیط خانواده به زندگی خود ادامه می‌دهد. قاضی اطفال یا مقام صلاحیت‌دار، مددکار اجتماعی و یا مددکار افتخاری و یا یکی از اعضای انجمن‌های خیریه حمایت اطفال را مأمور مراقبت و راهنمایی و حمایت طفل می‌نماید. یکی از افراد مذکور باید با طفل، افراد خانواده، مربیان و یا کارفرما، مشکلات طفل را مورد بررسی قرار داده و برای حل مشکلات و رفع اختلاف، او را یاری و راهنمایی کند. وضعیت طفل را به‌طور مرتب به مقام قاضی صادرکننده دستور آزادی توأم با مراقبت گزارش دهد (Danesh, 2006).

سپردن طفل به اشخاص حقیقی یا حقوقی دیگر

هرگاه برای اصلاح طفل یا نوجوان، با الزام به انجام دستورات بند الف ماده ۸۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و در صورت عدم صلاحیت والدین و یا اولیا یا سرپرست قانونی طفل یا نوجوان و یا عدم دسترسی به آن‌ها و همچنین هرگاه والدین از نظر اخلاق و رفتار و کردار صلاحیت نگهداری طفل را نداشته باشند، از بروز حالت خطرناک و ارتکاب جرم جلوگیری می‌شود، صلاحیت حضانت فرزند خود را

نداشته باشند، در این صورت مقام قاضی می‌تواند به تقاضای اقربای طفل و یا به تقاضای قیم او و به تقاضای رئیس حوزه قضایی، طفل را به اشخاصی که واجد صلاحیت هستند و در صورت قبول آن‌ها تسلیم نماید.

۲- مجازات اطفال بزهکار ۱۲ تا ۱۵ سال

مجازات این قبیل افراد علاوه بر اینکه شامل تمامی موارد است که فوق گفته شد، به‌علاوه اخطار و تذکر و یا اخذ تعهد کتبی به عدم تکرار جرم از ناحیه آن‌ها و همچنین در صورت لزوم نگهداری این قبیل افراد در کانون اصلاح و تربیت از سه ماه تا یک سال، در صورت ارتکاب جرائم تعزیری درجه یک تا پنج از سوی آن‌ها و همچنین اگر این قبیل افراد مرتکب جرائم موجب حد یا قصاص گردند، نیز مجازات مزبور قابل اعمال می‌باشد. در غیر این صورت، جهت محافظت و مراقبت به والدین یا سرپرست یا اولیای قانونی آن‌ها و یا به اشخاص حقیقی و یا حقوقی، در صورت صلاحدید، طفل تسلیم آن‌ها می‌گردد.

۳- مجازات نوجوانان بزهکار ۱۵ تا ۱۸ سال

مطابق ماده ۸۹ قانون مجازات اسلامی، نوجوانان که مرتکب جرم تعزیری می‌شوند و سن آن‌ها در زمان ارتکاب جرم بین پانزده تا هجده سال تمام شمسی باشد، مجازات‌های ذیل را شامل می‌شوند:

نگهداری در کانون اصلاح و تربیت

نوجوانانی که مرتکب جرائمی که مجازات قانونی آن‌ها تعزیر درجه یک تا سه باشد، دو تا پنج سال در کانون اصلاح و تربیت نگهداری می‌شوند و نوجوانانی که مرتکب جرائمی که مجازات قانونی آن‌ها تعزیر درجه چهار باشد، یک تا سه سال در کانون اصلاح و تربیت نگهداری می‌شوند.

جبران خسارت مادی

جبران ضرر و زیان مادی یکی از معیارهای تصمیم اتخاذشده در مورد بزهکاری است. در این روش، تمام خسارت‌هایی که توسط رفتار بزهکارانه طفل وارد گردید باید جبران شود و برای ترمیم خسارت ناشی از جرم، مقام صلاحیت‌دار اقدام به اتخاذ تصمیم مبنی بر جبران ضرر و زیان می‌نماید.

الزام به اشتغال به کارهای عام‌المنفعه

الزام به اشتغال به کار، یک روش تربیتی شدیدتر از روش آزادی توأم با مراقبت و ضعیف‌تر از مجازات نگهداری در مؤسسات آموزشی، علمی، فنی، حرفه‌ای و کانون‌های اصلاح و تربیت است که برای تقویت اراده اطفال برای اشتغال به کار و عادت دادن آنان به نظم و انضباط، رعایت قوانین و مقررات و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز، ایفای نقش و درک مسئولیت و سرانجام جلوگیری از مفاسد نگهداری در محیط بسته، به مورد اجرا گذارده می‌شود.

ج: حق اعتراض به آراء و تصمیم‌های قضایی

حق اعتراض به آراء و تصمیم‌های قضایی و چندمرحله‌ای بودن دادرسی کیفری از تضمین‌های دادرسی عادلانه به شمار می‌آید؛ زیرا بر پایه این حق، متهمان می‌توانند به آراء و تصمیم‌های دادگاه‌ها اعتراض کرده و ضمن آن فرصت جدیدی را برای ارائه دلایل و مدارک و دفاعیات خویش به دست آورند. این حق نقش مؤثری در جلوگیری از استبداد دادرسان ایفا می‌کند تا از رهگذر آن، اطفال و نوجوانان بزهکار بتوانند با به دست آوردن فرصت دوباره برای رسیدگی، زمینه اثبات فرض بی‌گناهی را فراهم کنند. با استناد به ماده ۴۴۵ ق.آ.د.ک که مقرر می‌دارد

آراء دادگاه اطفال و نوجوانان در شمار موارد قابل تجدیدنظرخواهی است و همچنین براساس ماده ۴۴۷ قانون مذکور که مقرر می‌دارد: «درخواست تجدیدنظر از آراء و تصمیمات دادگاه اطفال و نوجوانان می‌تواند توسط نوجوان یا ولی یا سرپرست قانونی طفل یا نوجوان و یا وکیل آنان به عمل آید. دادستان نیز هرگاه آراء و تصمیمات دادگاه را مخالف قانون بداند می‌تواند درخواست تجدیدنظر نماید. مدعی خصوصی می‌تواند فقط از حکم مربوط به ضرر و زیان یا برائت یا قرار منع تعقیب یا موقوفی تعقیب یا تعلیق و یا قرار بایگانی کردن پرونده تجدیدنظرخواهی کند». در عین حال، طبق ماده ۹۰ ق.م.ا. «دادگاه رسیدگی‌کننده می‌تواند براساس گزارش‌های رسیده از وضع طفل یا نوجوان و رفتار او در کانون اصلاح و تربیت، یک بار در رأی خود تجدیدنظر کند و مدت نگهداری را تا یک‌سوم تقلیل دهد یا نگهداری را به تسلیم طفل یا نوجوان به ولی یا سرپرست قانونی او تبدیل نماید. تصمیم دادگاه مبنی بر تجدیدنظر در صورتی اتخاذ می‌شود که طفل یا نوجوان حداقل یک‌پنجم از مدت نگهداری در کانون اصلاح و تربیت را گذرانده باشد. رأی دادگاه در این مورد قطعی است. این امر مانع استفاده از آزادی مشروط و سایر تخفیفات قانونی با تحقق شرایط نیست».

د: مرحله اجرای حکم

اجرای حکم، آخرین مرحله دادرسی‌های کیفری است و دادرسی‌های کیفری در حقیقت فقط برای تحقق این مرحله انجام می‌گیرد. با توجه به صلاحیتی که قاضی اطفال در مورد اجرای تصمیمات نسبت به نوجوانان بزهکار دارد، این صلاحیت به موجب ماده ۵۲۶ ق.آ.د.ک به قاضی دادگاه اطفال محول گردیده است. همچنین با توجه به اینکه اطفال گروه خاصی از بزهکاران هستند، اجرای حکم توسط واحد اجرای احکام موجه نیست؛ زیرا اجرای حکم در مورد اطفال، ظرافت، مراقبت و نظارت ویژه‌ای می‌طلبد که رعایت آن‌ها از عهده قاضی دادگاه اطفال که دارای ویژگی‌های خاصی است ساخته است (Moazzami, 2015).

فرایند دادرسی اطفال و نوجوانان در اسناد بین‌المللی

در طول زمان و در اکثر جوامع این نظر پذیرفته شده است که هنگامی که کودکان در تعارض با قانون قرار می‌گیرند، به گونه‌ای متفاوت از بزرگسالان با آنان رفتار می‌شود. تفکیک اطفال و نوجوانان بزهکار از بزرگسالان، نشان‌دهنده نگرانی جامعه جهانی نسبت به مشکلات اطفال و نوجوانان است. دادرسی ویژه کودکان و نوجوانان درباره موقعیت افراد زیر ۱۸ سال است که به دلیل قرار گرفتن در معرض سوءظن یا اتهام ارتکاب به جرم، ناگزیر در تماس با نظام قضایی قرار می‌گیرند. از این رو، در سراسر جهان این نگرانی وجود دارد که به حقوق اطفال و نوجوانان معارض با قانون خدشه‌ای وارد شود. بر این اساس، جامعه جهانی اهمیت خاصی برای دادرسی نوجوان قائل شده و تلاش گردیده برخورد با اطفالی که مقابل قانون قرار می‌گیرند از چنان مطلوبیتی برخوردار باشد که امکان بازپروری اطفال و پذیرش نقش سازنده‌ای در جامعه از سوی او را مدنظر داشته باشد. ضرورت حمایت از اطفال و نوجوانان معارض با قانون در سطح بین‌الملل، سازمان ملل را بر آن داشته تا علاوه بر اصول عمومی و حمایتی ناظر بر اطفال در میثاق‌های بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (۱۹۶۶)، در زمان تصویب کنوانسیون حقوق کودک، تدوین‌کنندگان حقوق کودک با در نظر گرفتن شرایط ویژه کودکان و درک ضرورت تأکید مجدد بر حق دادرسی منصفانه برای کودکان معارض با قانون، براساس ماده ۴۰ کنوانسیون حقوق کودک آن را تنظیم نمایند (Ebrahimi & Kiani, 2010).

سن مسئولیت کیفری

هرکس که با علم و اطلاع و با قصد ارتکاب جرم، عمل مجرمانه‌ای را انجام دهد، لزوماً مجرم شناخته نمی‌شود؛ بلکه علاوه بر قصد مجرمانه، باید دارای صفات و خصوصیاتی هم باشد که بتوان عمل مجرمانه را به او منتسب دانست. قوانین جزایی برخی اشخاص را غیرمسئول می‌شناسد و در صورتی که مرتکب عمل مجرمانه هم شده باشند، از نظر جزایی مسئول قلمداد نمی‌کند. در نظام‌های حقوقی که مفهوم سن مسئولیت کیفری برای نوجوانان را پذیرفته‌اند، شروع آن سن نباید در سطح سنی بسیار پایین باشد و باید واقعیت‌های مربوط به بلوغ عاطفی، ذهنی و عقلی مدنظر باشد. حداقل سن مسئولیت کیفری بر حسب تاریخ و فرهنگ متفاوت است. براساس بند یک ماده ۴ مقررات پکن: «در آن دستگاه‌های حقوقی که مفهوم سن مسئولیت کیفری را برای نوجوانان تصدیق می‌کنند، شروع آن سن نباید بسیار پایین باشد و باید واقعیت‌های مربوط به بلوغ عاطفی، ذهنی و عقلی مدنظر قرار گیرند».

پلیس ویژه اطفال و نوجوانان

براساس قواعد پکن، هرگاه پرونده نوجوان بزهکار تغییر مسیر نیافته باشد، باید مرجع و مقام صالح، همچون دادگاه، دادسرا، هیأت و شورا، بر طبق اصول دادرسی منصفانه و عادلانه به پرونده آن نوجوان رسیدگی کند. به موجب بند یک ماده ۱۲، «مأموران پلیس» که مکرراً یا منحصراً با کودکان سروکار دارند یا کسانی که اصولاً با پیشگیری از جرم نوجوانان سروکار دارند، به منظور اجرای بهتر وظایف و اشتغالات خود باید به نحو خاصی تعلیم و آموزش ببینند.

در شهرهای بزرگ باید واحدهای پلیس ویژه‌ای بدین منظور تأسیس شود. این قاعده بر نیاز آموزش تخصصی برای تمام ضابطان دادگستری و نیروی انتظامی که در اجرای عدالت کودکان و نوجوانان سروکار دارند، تأکید دارد. نظر به مسئولیت پلیس برای حفظ نظم و آرامش در اجتماع، کشف جرم، دستگیری بزهکار و پیشگیری از وقوع جرایم و گاهی روش‌های پیشگیری، کنترل و حتی بازپروری با یکدیگر هم‌پوشی پیدا می‌کند و غالباً با یک روش مؤثر می‌توان همه جوانب را در مورد بزهکار به کار بست (Abachi, 2009).

کشف جرم

کشف جرم به عهده پلیس قضایی است که بلافاصله بعد از اطلاع یافتن از وقوع جرم باید اقداماتی را که برای حفظ آثار و علائم جرم و جلوگیری از فرار یا اختفای متهم ضروری است، انجام دهد و مراتب را به دادسرای مستقل بر حسب مورد اعلام نماید. البته علاوه بر این موارد، نقش پلیس در پیشگیری از جرم حائز اهمیت کیفری است. تنها پلیس آموزش‌دیده قادر خواهد بود وظایف خود را به نحو مطلوب انجام دهد. لذا درخصوص چگونگی برخورد ضابطین با جرایم مشهود و غیرمشهود در قانون ایران راهکارهایی ارائه شده است. بند ۱ ماده ۱۲ مقررات پکن در مورد تخصصی شدن سازمان پلیس است و در بند ۷ ماده مذکور نیز بر آموزش نیروهای پلیس تأکید شده است.

تشکیل دادگاه صلاحیت‌دار

ایجاد دادگاه مناسب و صلاحیت‌دار از تضمین‌های بارز دادرسی عادلانه به شمار می‌رود؛ زیرا تناسب دادگاه با نوع بزهکاری و بزهکار و نیز صلاحیت داشتن دادگاه سبب افزایش دقت در رسیدگی‌های کیفری می‌شود. از نظر اسناد بین‌المللی، تشکیلات قضایی نوجوانان جزء جداناپذیری از فرآیند پیشرفت‌های هر کشور است که در چارچوب جامع عدالت اجتماعی برای تمامی نوجوانان قرار دارد و به همین سبب و در عین حال، برای حمایت از نوجوانان و برقراری نظمی صلح‌آمیز در جامعه نقش بسزایی ایفا می‌کند. بنابراین، خدمات و تشکیلات قضایی

نوجوانان باید به نحوی منظم توسعه یابد و به این منظور هماهنگ شود که نقاط قوت کارکنانی که چنین خدماتی را ارائه می‌دهند، از جمله روش‌ها و شیوه‌های کار و نحوه برخورد آنان، بهبود یابد و محفوظ بماند (بند ۵ و ۶ ماده یک مقررات بیژینگ).

معاهده حقوق کودک در ماده ۳-۴۰ خود در این زمینه مقرر می‌کند: «دولت‌های عضو درصدد ایجاد قوانین، مقررات، مراجع و نهادهای خاصی برخواهند آمد که کاربرد آن‌ها در مورد کودکانی است که در معرض سوءظن، اتهام یا محکومیت ناشی از نقض قوانین کیفری قرار می‌گیرند». دادگاه مزبور باید به گونه‌ای طرح‌ریزی شود که با رویکردی اصلاحی، درمانی، حمایتی، نیازهای خاص کودکان را مورد توجه قرار دهد. در پی این امر، سیاست‌گذاران جنایی در سطح بین‌الملل و ملی ایجاد چنین دادگاهی را پیش‌بینی کرده‌اند. در سطح بین‌المللی، پیمان حقوق کودک اصلی‌ترین سندی است که در قسمت سوم بخش ب بند ۲ ماده ۴۰ پیمان حقوق کودک، تشخیص مرجع قضایی واجد صلاحیت، مستقل و بی‌طرف را در مورد رسیدگی به اتهام اطفال و نوجوانان پیش‌بینی و مقرر کرده است.

شیوه انتخاب قضات اطفال و نوجوانان

با توجه به تشکیلات خاص دادگاه اطفال، نحوه انتخاب قضات این دادگاه‌ها نیز با طرز گزینش قضات دادگاه‌های بزرگسالان متفاوت است و به لحاظ آسیب‌پذیر بودن اطفال و روحیات خاص این قشر از جامعه، قواعد بین‌المللی و قوانین ملی، انتخاب قضات ویژه با خصوصیات ویژه‌ای را برای این کار توصیه می‌نماید. اطلاع قاضی اطفال از امور اجتماعی، فرهنگی و مسائل مربوط به روان‌شناسی یکی از شرایط اولیه انتخاب اوست و صلاحیت و ورزیدگی مناسب از نظر قضایی، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است (Shambayati, 2005).

طبق مواد ۱-۶ تا ۳-۶ مقررات بیژینگ مصوب ۱۹۸۵ مجمع عمومی سازمان ملل، با توجه به وضع اطفال و برای اجرای روش‌های اصلاحی و تربیتی، قاضی متخصص اطفال و نوجوانان در تمام مراحل دادرسی اطفال و نوجوانان، به‌خصوص تعقیب و تحقیقات مقدماتی، محاکمه و اجرای روش‌ها و یا مجازات، باید صلاحیت اتخاذ تصمیم و صدور احکام مقتضی را داشته باشد تا حقوق اطفال و نوجوانان محفوظ و اجرای مجازات و یا روش‌های منطبق با شخصیت آنان امکان‌پذیر گردد.

بازرسی و تعقیب

به محض دستگیری و تعقیب کودک یا نوجوان، والدین یا سرپرست قانونی وی باید مطلع شوند و در صورتی که چنین امکانی وجود نداشته باشد، والدین یا سرپرست قانونی وی می‌باید در کوتاه‌ترین زمان بعد از آن مطلع شوند. قاضی یا هر رکن یا مقام صلاحیت‌دار دیگری باید بدون تأخیر مسئله آزادی کودک یا نوجوان را مورد بررسی قرار دهد. مکاتبات و تماس‌ها بین نهادهای مجری قانون و کودک یا نوجوان مجرم باید به شیوه‌ای صورت گیرد که وضعیت حقوقی کودک و نوجوان محترم شمرده شود، رفاه وی ارتقا داده شود و از هرگونه خسارت به وی اجتناب شود (بندهای ۱ و ۲ و ۳ قاعده ۱۰، مقررات پکن).

تحقیقات مقدماتی

در دادرسی اطفال و نوجوانان بزهکار، تحقیقات مقدماتی ساده و سریع انجام می‌گیرد؛ زیرا هدف از کشف، تعقیب، تحقیق و دادرسی، اصلاح و تربیت و یا درمان برای عادت دادن طفل و یا نوجوان به زندگی عادی اجتماعی است. براساس بند ۲ ماده ۱۱ مقررات بیژینگ، پلیس و دادرسی‌ها و سایر سازمان‌هایی که مأمور تعقیب اطفال و نوجوانان هستند، بدون رعایت تشریفات تعقیب در مورد بزرگسالان که در قوانین آیین دادرسی مقرر گردیده، در اسرع وقت و با توجه به مقررات بیژینگ اقدام نمایند. در مرحله تحقیقات، هیچ کودکی نباید تحت شکنجه یا

سایر رفتارهای بی‌رحمانه و غیرانسانی یا مغایر شئون انسانی قرار گیرد و به‌طور کلی اعمال هرگونه تنبیه بدنی نسبت به طفل ممنوع است (بند ۳ ماده ۱۷، مقررات بیژینگ).

عدم توقیف طفل قبل از محاکمه

توقیف قبل از محاکمه باید تنها به‌عنوان آخرین مرحله و به‌صورت بسیار کوتاه مورد استفاده قرار گیرد. در صورت امکان، توقیف قبل از محاکمه باید جای خود را به اقدامات جایگزین دیگر، از قبیل نظارت نزدیک، مراقبت شدید یا استقرار در یک مرکز آموزشی یا کانون بدهد. اطفال و نوجوانانی که در توقیف قبل از محاکمه به سر می‌برند حق دارند از تمامی حقوق و تضمینات حداقلی قواعد استاندارد برخورد با زندانیان که به تأیید سازمان ملل متحد رسیده برخوردار شوند. اطفال و نوجوانانی که در توقیف قبل از محاکمه به سر می‌برند باید جدا از بزرگسالان نگهداری شوند و باید در یک مکان جداگانه یا در یک بخش جداگانه از یک نهاد که در آن بزرگسالان نگهداری می‌شوند، نگهداری شوند. همچنین باید از مراقبت و حمایت و دیگر مساعدت‌های فردی لازم که ممکن است بر حسب سن، جنس و شخصیتشان لازم باشد برخوردار شوند (بندهای ۱ الی ۵ ماده ۱۳ مقررات بیژینگ).

تسریع در رسیدگی

هر پرونده را باید از همان ابتدا خیلی سریع و بدون هیچ‌گونه تأخیر غیرضروری رسیدگی نمود. اجرای سریع راهکارهای رسمی در مورد پرونده‌های نوجوانان موضوعی است که بیش‌ترین اهمیت را دارد. اگر کار به‌سرعت پیش نرود، آنچه از رسیدگی برای حل‌وفصل امور حاصل می‌شود، ممکن است در مخاطره قرار گیرد. برای نوجوانان هرچه زمان بگذرد، اگر محال نباشد، بسیار دشوار خواهد بود که هم از لحاظ عقلی و هم از لحاظ روانی، میان روند کارها و نوع جرم ارتباطی بیابد (بند یک ماده ۲۰ مقررات بیژینگ). تعیین تکلیف کودک متهم، در اسرع وقت توسط مقام یا مرجع قضایی بی‌طرف و مستقل و طی یک دادرسی عادلانه در حضور وکیل یا سایر افراد صورت می‌گیرد، مگر اینکه این امر در جهت منافع کودک تشخیص داده نشود، به‌ویژه با در نظر گرفتن سن و موقعیت کودک یا والدین و یا قیم قانونی او (بند ۳ ماده ۴۰، کنوانسیون حقوق کودک).

غیرعلنی بودن محاکم

غیرعلنی بودن محاکم طفل، یک حق قانونی است که طفل در حین محاکمه از آن برخوردار می‌باشد. در معاهده حقوق کودک، بر سری بودن جلسات محاکمه طفل تأکید شده و مقرر گردیده که محرمانه بودن کامل موضوع در طول تمام مراحل دادرسی امری لازم است (بند ۷ ماده ۴۰ کنوانسیون حقوق کودک). حفظ اسرار زندگی خصوصی باید رعایت شود و از انتشار جریان دادرسی طفل در رسانه‌های گروهی و ارتباطات جمعی ممانعت به عمل آید. حق نوجوانان برای داشتن حریم خصوصی را باید در همه مراحل مراعات کرد تا از وارد آمدن آسیب ناشی از پدید آمدن جنجال‌های بی‌مورد یا برچسب زدن جلوگیری شود. اهمیت محافظت نوجوانان از تأثیرات نامساعدی که ممکن است از انتشار اطلاعات مربوط به موضوع در رسانه‌های جمعی، مثلاً اعلام نام مجرمان جوان، خواه متهم و خواه محکوم، ناشی شود، تأکید می‌شود و باید توجه داشت که به‌طور مستقیم منافع طفل باید حفاظت و رعایت شود (بند یک ماده ۸ مقررات بیژینگ).

تشکیل پرونده شخصیت

برای تشکیل پرونده شناسایی اطفال و نوجوانان، در همه موارد جز مواردی که به جرم‌های کم‌اهمیت مربوط می‌شود، قبل از آنکه مقام صالح قضایی رأی محکومیت نهایی را صادر کند، پیشینه و اوضاع و احوالی که نوجوان در آن به سر می‌برد و شرایطی که جرم در آن واقع می‌شود

توسط متخصصین (مددکاران اجتماعی، پزشک، روان‌پزشک و روان‌شناسان و مراقبین) به‌درستی مورد بررسی قرار می‌گیرد تا صدور رأی قضایی از سوی مقام صالح به سهولت صورت پذیرد (بند یک، ماده ۱۶ مقررات بیژینگ).

حق تفهیم اتهام

تفهیم اتهام از جمله حقوق اساسی بزهکاران در فرآیند دادرسی کیفری به شمار می‌آید. بر پایه این حق، چرایی محدود کردن آزادی شهروندان، انتساب جرم به آنان و حضور آنان در فرآیند کیفری تبیین می‌شود. این حق اگرچه برای همه متهمان اهمیت دارد، شناسایی آن برای کودکان معارض با قانون ضروری به نظر می‌رسد. به همین دلیل، تدوین‌کنندگان پیمان حقوق کودک بر پایه قسمت دوم بخش ب بند دوم ماده ۴۰ به ضرورت تفهیم اتهام به کودکان بزهکار در فرصت مناسب توجه کرده‌اند.

ترافعی بودن دادرسی کیفری

برابری سلاح‌ها میان متهمان، بزه‌دیدگان و دادستانان از بارزترین حقوق دفاعی متهمان به شمار می‌رود. بر پایه این اصل، متهمان باید از حقوق برابر با دیگر طرف‌های دعاوی کیفری بهره‌مند باشند. حق متهم بر امکان پرسش و پاسخ از شاهدان له و علیه یکی از مهم‌ترین مصداق‌های این حق به شمار می‌رود. این حق در قسمت چهارم بخش ب بند دوم ماده ۴۰ پیمان حقوق کودک مورد توجه واقع شده است. بر پایه این بند، «کودک باید امکان بررسی اظهارات شهود مخالف و کسب اجازه برای شرکت شهود خود و بررسی اظهارات آنان در شرایط مساوی را داشته باشد».

حق دسترسی به والدین، قیم قانونی و وکیل

پس از اطلاع مستقیم و سریع طفل از اتهامات وارده، در مرحله بعدی دسترسی سریع به والدین، قیم قانونی یا وکیل باید محفوظ بماند. در طول همه دادرسی‌ها، نوجوانان حق دارند که مشاور حقوقی (وکیل) را به نمایندگی از خود معرفی کنند یا در جایی که پیش‌بینی خدمات حقوقی رایگان شده است، تقاضای چنین خدماتی را بنمایند. همچنین والدین و سرپرستان قانونی حق دارند در دادرسی شرکت کنند و ممکن است بنابر تقاضای مقامات صالح، به نفع نوجوان در جلسه حضور یابند، ولی در صورتی ممکن است از مشارکت آن‌ها جلوگیری شود که مقام صالح بنا به دلایلی، حضور آنان را به نفع نوجوان تشخیص ندهد. حق دسترسی به والدین، قیم قانونی یا وکیل به منزله حمایت روانی و عاطفی از اطفال و نوجوانان به شمار می‌آید که باید در تمام مراحل رسیدگی ادامه داشته باشد (بند ۱ و ۲ ماده ۱۵ مقررات بیژینگ).

مرحله تصمیم‌گیری

چگونگی تصمیم‌گیری درخصوص اطفال و نوجوانان بزهکار توسط مراجع و مقام‌های صلاحیت‌دار که پرونده او در جریان است، یک فرآیند مهم به شمار می‌رود؛ زیرا اطفال به لحاظ روحیات خاص و آسیب‌پذیری، مورد توجه ویژه قرار گرفته و باید در وضع و اجرای حقوق قانونی آن‌ها سعی کامل نمود تا طفل و نوجوان راه برگشت به زندگی اجتماعی را داشته باشد.

به همین دلیل، گاهی واضعان قوانین (ملی و بین‌المللی)، حقوق و امتیازات ویژه و برتری را نسبت به بزرگسالان برای اطفال و نوجوانان در نظر می‌گیرند که به علت وضعیت جسمی و روحی ظریف طفل می‌باشد. در ذیل به چند مورد از تصمیماتی در این خصوص که در اسناد بین‌المللی بدان اشاره شده است ذکر می‌کنیم.

الف: تصمیمات غیرنهادی: تصمیمات غیرنهادی تدابیری هستند که در محیط آزاد صورت می‌گیرند و شامل مجازات‌های حمایتی و هدایتی در اجتماع است.

سپردن طفل به والدین یا سرپرست قانونی

۱- این روش برای طفلی که برای اولین بار مرتکب جرمی شده و یا مرتکب جرائم نسبتاً سبک شده است، مناسب‌ترین تصمیم به نظر می‌رسد، مشروط بر اینکه مقام صلاحیت‌دار، پس از احضار والدین یا سرپرست قانونی طفل، علل ارتکاب جرم را تشریح و آنان را متوجه قصور و کوتاهی‌شان نسبت به تربیت و هدایت طفل نموده و لزوم مراقبت در آموزش و پرورش، نظارت بر حسن رفتار و معاشرت طفل، اوقات فراغت، محیط کار و ایجاد حسن تفاهم و تحکیم دوستی و محبت در محیط خانواده را متذکر و پس از اخذ تعهد نسبت به تأدیب و تربیت و مواظبت در حسن اخلاق و رفتار، طفل را به والدین یا سرپرست قانونی او می‌سپارد. دادگاه یا مقام صلاحیت‌دار می‌تواند ضمن سپردن طفل به والدین یا سرپرست قانونی، او را ملزم به رعایت شرایط و انجام اموری بنماید؛ از جمله با بعضی از افراد و دوستان خود حق ملاقات نداشته باشد، در انجام بعضی از امور در منزل یا محل کار به پدر و مادرش کمک کند، در اوقات فراغت بیهوده در خیابان و کوچه وقت نگذارد، شب‌ها از منزل خارج نشود، در کلاس‌های آموزشی، علمی و فنی یا در فعالیت‌های اجتماعی و تربیت بدنی شرکت نماید، رعایت یا عدم اجرای شرایط تعیین‌شده را به‌صورت کتبی به دادگاه یا مقام صلاحیت‌دار گزارش دهند (Danesh, 2006). مقررات پکن نیز دستور حمایت و نظارت بر طفل از طریق سپردن او به والدین یا سرپرست قانونی را یکی از معیارهای مناسب برای اتخاذ تصمیم در مورد طفل بزهکار معرفی می‌نماید (بند یک، ماده ۱۸، مقررات پکن).

۲- قرار آزادی توأم با مراقبت و راهنمایی یا نظارت: قرار آزادی توأم با مراقبت و راهنمایی موجب می‌شود که از اعزام نوجوانان بزهکار به زندان اجتناب شود. ماده ۴۰ کنوانسیون حقوق کودک در بند ۴ اذعان می‌دارد: «تأمین مسائلی از قبیل نگهداری، راهنمایی، نظارت، مشاوره، تأیید فرزندخواندگی، تعلیم و تربیت و برنامه‌های آموزشی و فنی و حرفه‌ای و سایر اقدامات دیگر در جهت تضمین اینکه با کودکان رفتاری متناسب با رفاه و شرایط و جرم ارتکابی آن‌ها خواهد شد، باید صورت گیرد» که به نوعی بر قرار آزادی توأم با مراقبت و راهنمایی تأکید دارد. متخصصین علوم کیفری و جرم‌شناسی اذعان می‌دارند که اگر طفل یا نوجوان تحت تأثیر عوامل اجتماعی مرتکب جرم شده باشد، سپردن او به والدین یا سرپرست قانونی بدون مراقبت و راهنمایی، تأثیری در تربیت طفل نداشته و از تکرار جرم پیشگیری نخواهد کرد. به منظور عادت دادن طفل به زندگی اجتماعی و پیشگیری از مفاسد زندان، کانون یا مؤسسات، بایستی او را در محیط آزاد مراقبت کرد (Danesh, 2006).

۳- الزام به اشتغال به کارهای عام‌المنفعه: الزام به اشتغال به کار، یک روش تربیتی، شدیدتر از روش آزادی توأم با مراقبت و ضعیف‌تر از مجازات نگهداری در مؤسسات آموزشی (علمی، فنی، حرفه‌ای) و کانون‌های اصلاح و تربیت است که برای تقویت اراده اطفال برای اشتغال به کار و عادت دادن آنان به نظم و انضباط، رعایت قوانین و مقررات و همزیستی مسالمت‌آمیز، ایفای نقش اجتماعی و درک مسئولیت و سرانجام پیشگیری از مفاسد نگهداری در محیط بسته به مورد اجرا گذارده می‌شود (بند ۴، ماده ۱۸، مقررات پکن).

ب: تصمیمات نیمه‌نهادی: بند یک ماده ۲۹ پکن تصریح می‌نماید: «که باید کوشش‌هایی صورت گیرد تا برنامه‌های نیمه‌نهادی فراهم آید، برنامه‌هایی از قبیل اعزام اطفال به مراکز بازپروری، مراکز آموزش و کارآموزی روزانه و برنامه‌های مناسب دیگری از این نوع که نوجوانان را در جذب شدن مجدد به جامعه یاری دهد».

روش نیمه‌نهادی مرحله‌ای بین روش غیرنهادی و روش نهادی است. البته برای پیشگیری از مفاسد و آسیب‌های زندان و تماس با بزهکاران حرفه‌ای، به‌ویژه برای محکومان به حبس به مدت کم، بسیار مؤثر است. با اجرای این روش، برخلاف اثرات سوء محکومیت به حبس، اطفال و نوجوانان جذب بازار کار شده، از تکرار جرم به علت بیکاری جلوگیری می‌شود.

ج: تصمیمات نهادی: تصمیمات نهادی شامل هرگونه اتخاذ تدبیر برای طفل بزهکار است که با نگهداری طفل و نوجوان در مؤسسه و نهاد (باز و بسته)، محرومیت از آزادی برای او حاصل می‌گردد (بند ۶ ماده ۳۷). با توجه به اینکه هدف اصلی از جای دادن اطفال بزهکار در نهادهای اصلاح و تربیت، کمک به آنان جهت سازگاری مثبت برای ورود مجدد به اجتماع است، کنوانسیون حقوق کودک مقرر نموده که: «دستگیری، بازداشت یا زندانی کردن یک کودک باید منطبق با قانون و صرفاً به‌عنوان آخرین راه‌حل و در کمترین زمان ممکن مورد استفاده قرار گیرد».

سلب آزادی نباید صورت گیرد، مگر اینکه ثابت شود نوجوان عمل خطرناکی را مرتکب شده که شامل خشونت علیه فرد دیگر یا اصرار بر تکرار جرایم خطرناک است و غیر از سلب آزادی هیچ گزینه مناسب وجود نداشته باشد (بند یک ماده ۱۷).

۱- اعزام به کانون اصلاح و تربیت: اعزام به کانون اصلاح و تربیت نوعی از تصمیمات دادگاه است. سازمان‌های ملی و بین‌المللی رهنمودهای مناسبی برای شرایط موجود در مؤسسات اصلاح و تربیت نوجوانان ارائه داده‌اند. این رهنمودها از مدیران مؤسسات اصلاح و تربیت نوجوانان می‌خواهند تا یک محیط بهداشتی را برای نوجوانان زندانی فراهم آورند. از این رو، اعمال خشونت از سوی نهاد دولتی ممنوع شده است.

۲- برنامه مراقبت پس از آزادی: اکثر نوجوانان که از نهادهای اصلاحی آزاد می‌شوند در برنامه مراقبت پس از آزادی قرار می‌گیرند. مراقبت پس از آزادی برای نوجوانان، همانند آزادی مشروط برای بزرگسالان است. وقتی که نوجوان از طریق برنامه آزادی پیش از موعد یا پس از تکمیل دوره حبس از نهاد اصلاحی آزاد می‌شود، ممکن است تحت پوشش نوعی برنامه مراقبت پس از آزادی قرار گیرد. هدف از این کار کمک به فرد برای سازگاری مجدد پس از بازگشت به اجتماع است. این افراد تحت نظارت مأموران آزادی مشروط یا مشاوران قرار دارند، جهت حصول اطمینان از رعایت برنامه اصلاحی و ابراز علاقه و توجه، به منظور کمک به پیشگیری از انجام اشتباهات توسط اطفال و نوجوانان می‌باشد.

حق اعتراض به آراء و تصمیم‌های قضایی

حق اعتراض به آراء و تصمیم‌های قضایی و چندمرحله‌ای بودن دادرسی کیفری از تضمین‌های دادرسی عادلانه به شمار می‌آید. بر پایه این حق، متهمان می‌توانند به آراء و تصمیم‌های دادگاه اعتراض کرده و ضمن آن فرصت جدیدی را برای ارائه دلایل و مدارک و دفاعیات خویش به دست آورند. این حق نقش مؤثری در جلوگیری از استبداد دادرسان ایفا می‌کند. از این رو، پیمان حقوق کودک این حق را برای کودکان بزهکار به رسمیت شناخته است تا از این رهگذر آن کودکان بتوانند با به دست آوردن فرصت دوباره برای رسیدگی، زمینه‌های اثبات فرض بی‌گناهی را فراهم نمایند (بند ۵ ماده ۴۰ پیمان حقوق کودک).

نتیجه‌گیری

اطفال و نوجوانان به‌مثابه آینده‌سازان کشور نیازمند توجه ویژه از سوی قانون‌گذاران، به‌ویژه سیاست‌گذاران جنایی‌اند. اتخاذ یک سیاست جنایی ویژه در مورد این قشر آسیب‌پذیر از مهم‌ترین مسائلی است که دولت‌ها باید بدان توجه کنند.

اسناد بین‌المللی سعی بر آن دارند تا کشورها را به سمت‌وسویی ببرند که برای مسئولیت کیفری، رشد عقلی را نیز ملاک قرار دهند. ایران از جمله کشورهایی است که با تأکید زیاد بر منابع قانون‌گذاری خود، قطعنامه‌ها و مقررات بین‌المللی را به‌صورت مشروط می‌پذیرد که مهم‌ترین معاهده در رابطه با حقوق کودک را به‌صورت مشروط در سال ۱۳۷۳ پذیرفت، اما رعایت شرایط آن با تأخیر زیادی روبه‌رو شد و علت اصلی این تأخیر نیز مخالفت این معاهده با نظر فقهای شیعه در رابطه با سن مسئولیت کیفری بود.

در ایران، دختران بالای ۹ سال قمری و پسران بالای ۱۵ سال قمری دارای مسئولیت تام کیفری بودند، اما معاهده حقوق کودک که ایران نیز عضو آن بود، اشخاص زیر ۱۸ سال را دارای مسئولیت تام نمی‌دانست. به همین دلیل، مجامع حقوقی و شرعی اعتراضات زیادی را به ایران می‌کردند و به‌خصوص به اعدام افراد زیر ۱۸ سال. با توجه به ماده ۳۷ معاهده، اعدام افراد زیر ۱۸ سال ممنوع است.

قبل از اجرایی شدن قانون آیین دادرسی کیفری جدید، در نظام دادرسی کیفری ایران برخی از ویژگی‌های دادرسی اطفال، از جمله ضرورت غیرعلنی بودن و حفظ حریم شخصی در رسیدگی به اتهامات، ضرورت دادرسی و در صورت مصلحت طفل یا نوجوانان و قابل تجدیدنظر بودن تصمیمات راجع به اتهام اطفال و نوجوانان در مراجع عالی تجدیدنظر و دادگاه صادرکننده رأی پیش‌بینی شده بود.

فشارهای بین‌المللی در جهت هماهنگی قوانین ایران با اسناد بین‌المللی، من‌جمله معاهده حقوق کودک، سرانجام قانون‌گذار کشورمان را بر آن داشت تا دست به تغییراتی بزند. این تغییرات ابتدا در لایحه مجازات اطفال در سال ۸۲ به وجود آمد، اما لایحه در سال ۹۲ به مرحله اجرا درنیامد و با توجه به تدوین و تصویب قانون مجازات اسلامی در سال ۹۲ و همچنین تدوین و تصویب قانون آیین دادرسی کیفری در سال ۱۳۹۲ و اجرایی شدن آن در یک تیر ماه ۱۳۹۴، بالاخره این موضوع به مرحله اجرا درآمد تا اطفال و نوجوانان از حمایت‌های وسیعی نسبت به قوانین گذشته برخوردار شوند، اما باز قوانین دادرسی کیفری درخصوص اطفال و نوجوانان دارای نقایصی است و با استانداردهای بین‌المللی فاصله دارد که امید است مقنن این نقایص را برطرف نماید تا یک قانون ایده‌آل جهت دادرسی ویژه اطفال و نوجوانان را در کشورمان شاهد باشیم.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافعی وجود ندارد.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

حامی مالی

این پژوهش حامی مالی نداشته است.

EXTENDED SUMMARY

The juvenile justice process constitutes a distinct branch of criminal procedure because children and adolescents who come into conflict with the law possess developmental, psychological, social, and legal characteristics that distinguish them from adult defendants. Criminal proceedings in their general sense encompass the detection of crime, prosecution, preliminary investigation, adjudication, review of judgments, and execution of criminal decisions; however, when the accused is a child or adolescent, these stages must be adapted to the specific needs, vulnerabilities, and rehabilitative prospects of the young person. The principal purpose of juvenile justice is therefore not merely the imposition of punishment, but the protection of the child's best interests, prevention of recidivism, rehabilitation, reintegration, and preservation of the child's dignity throughout the

proceedings. From this perspective, specialized juvenile proceedings are based on differentiated procedural safeguards, including specialized police and judges, confidential hearings, individual assessment, personality files, access to counsel, parental participation, and the use of educational, protective, supervisory, and rehabilitative measures rather than purely punitive sanctions. Iranian legal doctrine has increasingly recognized that juvenile criminal procedure must depart from the structure of ordinary criminal proceedings and that the assessment of age, maturity, personality, family environment, and social circumstances must influence judicial decision-making (Ashouri, 2000; Mehra, 2011; Moazzami, 2015). The evolution of juvenile justice also reflects the broader development of criminal policy from retributive approaches toward individualized, corrective, and restorative responses. This transformation has been influenced by criminological knowledge, child psychology, social work, and international standards that emphasize the diminished culpability and heightened vulnerability of minors. Accordingly, the juvenile justice system should be understood as a specialized legal framework designed to reconcile the protection of society with the educational and rehabilitative needs of children and adolescents who have entered the criminal process (Abachi, 2009; Danesh, 2006).

Within Iranian law, the juvenile justice process extends from the earliest contact between the child and law-enforcement authorities to the execution of the final judicial decision. One of the most important foundations of this process is the concept of criminal responsibility and the determination of the age at which a child may be subjected to criminal measures. The distinction between children, adolescents, and adults is primarily based on age, but contemporary criminal policy also recognizes that chronological age alone may not adequately reflect intellectual, psychological, and emotional maturity. Iranian legislation has historically experienced several changes concerning the age of criminal responsibility, and the legal treatment of minors has progressively moved toward differentiation among various age groups and toward the adoption of special protective and educational measures. The specialized jurisdiction of juvenile courts is also central to this framework. The existence of a competent and specialized court is considered an essential guarantee of fair proceedings because juvenile cases require judges who are familiar not only with criminal law and procedure but also with child development, social conditions, criminological factors, and rehabilitative methods (Khaleghi, 2015; Naji Zavareh, 2016). Iranian law has accordingly developed mechanisms for specialized juvenile courts and prosecution units, as well as rules requiring judges handling juvenile cases to possess adequate judicial experience and, preferably, specific training relevant to children and adolescents. The role of specialized judges is particularly significant because they exercise discretion at several stages, including decisions concerning investigation, provisional measures, diversion from formal proceedings, detention, sentencing, rehabilitation, and post-judgment supervision. The judicial response must therefore be individualized and proportionate, taking into account the seriousness of the offense, the personal circumstances of the juvenile, the social and family background, and the possibility of rehabilitation. The emergence of such specialized mechanisms indicates a gradual shift from treating children as miniature adults toward acknowledging that juvenile offenders require a distinct and more protective model of criminal justice (Mehra, 2011; Shambayati, 2005).

The pretrial stage is especially important because the first encounter of a child with police, prosecutors, and investigative authorities may have a lasting psychological and social impact. Police officers dealing with juvenile cases should therefore act with restraint, professionalism, sensitivity, and respect for the child's dignity. Specialized juvenile policing is necessary because inappropriate interrogation, humiliation, intimidation, or unnecessary coercion may intensify fear, hostility,

stigma, and distrust toward legal institutions. By contrast, respectful communication, proper explanation of rights, and avoidance of unnecessarily formal or punitive treatment may facilitate cooperation and reduce the harmful consequences of criminal proceedings (Abachi, 2009; Danesh, 2006). The investigation of juvenile offenses should also be conducted expeditiously because prolonged involvement in the criminal process may adversely affect the child's education, family relations, social identity, and psychological stability. At the same time, preliminary investigations must be sufficiently comprehensive to identify the causes and circumstances of offending, including family problems, poverty, neglect, peer influence, educational difficulties, and other criminogenic conditions. For this reason, juvenile proceedings often require the preparation of a personality file containing information from social workers, psychologists, physicians, psychiatrists, and other specialists. Such information assists the judge in selecting a response that corresponds not merely to the offense but also to the needs and characteristics of the child (Moazzami, 2015). Diversion and mediation are also significant mechanisms at the pretrial stage because they may prevent unnecessary entry into formal criminal proceedings. Mediation, as a restorative mechanism, provides an opportunity to resolve less serious cases through dialogue, reparation, accountability, and reconciliation rather than through conventional prosecution. It may therefore reduce stigmatization, promote responsibility, and strengthen the rehabilitative character of juvenile justice (Zeyd Shafiei, 2007). Furthermore, unnecessary pretrial detention should be avoided because deprivation of liberty may expose children to psychological harm, social disruption, and criminogenic influences. Judicial authorities should accordingly prefer non-custodial alternatives whenever the purposes of the proceedings can be achieved without detention (Khazaei, 1998).

During the trial stage, juvenile defendants must benefit from procedural guarantees that are consistent with the principles of fair trial while also reflecting their age and vulnerability. One of the most important guarantees is the right to be informed promptly and clearly of the accusation. The child must understand the nature and basis of the charge in language appropriate to his or her level of comprehension. Without effective notification, the right of defense becomes merely formal because a juvenile who does not understand the accusation cannot adequately respond, instruct counsel, identify evidence, or challenge the prosecution's allegations. The adversarial character of the proceedings must also be preserved through equality of arms, including the opportunity to question witnesses, present evidence, and challenge incriminating material. Access to legal counsel is especially important in juvenile proceedings because children often lack the legal knowledge and practical capacity required to protect their interests independently. A lawyer can explain procedural rights, assist in communication with judicial authorities, challenge unlawful measures, present mitigating circumstances, and ensure that the child's voice is properly heard throughout the proceedings (Niazpour, 2007; Taghipour, 2006). The confidentiality of juvenile proceedings is another major safeguard. Unlike ordinary criminal trials, which are generally governed by the principle of publicity, juvenile hearings should normally be conducted without public exposure because disclosure of the child's identity or circumstances may cause stigmatization and seriously obstruct reintegration. Protection of privacy is therefore closely connected with the rehabilitative purpose of juvenile justice (Danesh, 2006; Goldoust Jouybari, 2007). The requirement of prompt adjudication is equally important because excessive delay weakens the connection between conduct and response and may create prolonged uncertainty for the child and family. Accordingly, juvenile cases should be handled without unnecessary delay while preserving all defense rights and evidentiary guarantees. The personality file, legal representation, confidentiality, participation of

parents or guardians when appropriate, and judicial specialization together create the procedural structure necessary for a child-sensitive and rehabilitative trial (Moazzami, 2015).

The international framework has played a decisive role in shaping contemporary juvenile justice principles and has strongly influenced domestic reforms, including developments in Iranian criminal procedure. International standards emphasize that children in conflict with the law must be treated in a manner consistent with their dignity, age, reintegration, and constructive role in society. The United Nations Standard Minimum Rules for the Administration of Juvenile Justice, commonly known as the Beijing Rules, call for specialized police, competent juvenile authorities, prompt proceedings, confidentiality, restrictions on detention, individualized assessment, access to legal assistance, and the use of non-custodial and community-based measures whenever possible. These standards reflect the principle that deprivation of liberty should be a measure of last resort and that judicial responses should be proportionate not only to the seriousness of the offense but also to the circumstances and needs of the juvenile (Abachi, 2009; Danesh, 2006). The Convention on the Rights of the Child similarly provides an important normative framework for the treatment of children accused or convicted of criminal offenses. Its approach requires States to establish laws, procedures, authorities, and institutions specifically applicable to children and to ensure that children receive legal and procedural protections compatible with a fair trial. International standards also highlight the importance of minimum age thresholds, emotional and intellectual maturity, family participation, privacy, legal representation, expeditious proceedings, and access to alternatives to institutionalization. These standards have contributed to the gradual development of specialized juvenile courts, juvenile prosecution systems, restorative justice mechanisms, community supervision, diversion programs, educational measures, and rehabilitation institutions. From a comparative perspective, the trajectory of Iranian juvenile justice demonstrates increasing convergence with these principles, particularly through the recognition of specialized proceedings, juvenile courts, personality files, protective measures, review mechanisms, and differentiated sanctions. Nevertheless, international standards continue to function as a benchmark for evaluating the effectiveness, fairness, and child-centered character of domestic legislation and practice (Abachi, 2009; Ebrahimi & Kiani, 2010; Moazzami, 2015).

In conclusion, the juvenile justice process requires a coherent and specialized approach from the moment of initial police contact until the completion of judicial supervision and enforcement. Its defining characteristic is that the child or adolescent is not treated merely as an offender but as a developing person whose legal responsibility, psychological maturity, social circumstances, educational needs, and capacity for rehabilitation must all be considered. An effective juvenile justice system must therefore combine procedural fairness with individualized protection and rehabilitation. Specialized police, trained judges, prompt investigations, confidential proceedings, access to counsel, parental or guardian participation, personality assessment, restorative mechanisms, non-custodial measures, individualized sanctions, and meaningful appellate review are essential components of such a system. Iranian criminal law has undergone significant reforms in this area and has increasingly recognized the necessity of specialized institutions and differentiated responses for children and adolescents. At the same time, the effectiveness of these reforms depends on consistent implementation, institutional specialization, adequate professional training, expansion of rehabilitative facilities, and careful avoidance of unnecessary detention and punitive responses. Further development should therefore focus on strengthening the child-centered orientation of the system, reducing discrepancies between legislative guarantees and actual practice,

and ensuring that every procedural decision is guided by the best interests of the child, proportionality, dignity, rehabilitation, and successful reintegration into society.

References

Abachi, M. (2009). *Juvenile Criminal Law in United Nations Instruments*. Majd Publishing.

Akhoundi, M. (1989). *Criminal Procedure* (3rd ed., Vol. 2). Ministry of Culture and Islamic Guidance.

Ashouri, M. (2000). *New Judicial Policies Concerning Juveniles*. Amir Kabir Publishing.

Danesh, T. Z. (2006). *Proceedings Concerning Juvenile Offenders in Comparative Law* (2nd ed.). Mizan Publishing.

Dehkhoda, A. A. (1955). *Dehkhoda Dictionary*. University of Tehran Press.

Ebrahimi, & Kiani, F. (2010). *The Right to a Fair Trial for Children in Conflict with the Law*. Jangal Publishing.

Goldoust Jouybari, R. (2007). *General Principles of Criminal Procedure* (1st ed.). Jangal Publishing.

Jafari Langroudi, M. J. (2005). *Legal Terminology* (Vol. 15). Ganj-e Danesh.

Khaleghi, A. (2015). *Criminal Procedure* (Vol. 1). Shahr-e Danesh Institute of Legal Studies and Research.

Khazaei, M. (1998). *The Criminal Process: Collected Articles* (Vol. 1). Ganj-e Danesh.

Mehra, N. (2011). *Criminal Justice for Children and Adolescents* (Vol. 1). Mizan Legal Foundation Publishing.

Moazzami, S. (2015). *Special Proceedings for Children and Adolescents* (Vol. 1). Dadgostar Publishing.

Moein, M. (2003). *Persian Dictionary* (Vol. 1). Rah-e Roshd.

Naji Zavareh, M. (2016). *An Introduction to the General Principles of Criminal Procedure* (Vol. 2). Khorsandi Publishing.

Niazpour, A. H. (2007). The Right of Accused Persons to Counsel in Criminal Proceedings: An Aspect of Citizenship Rights. *Justice Law Journal*(58).

Shambayati, H. (2005). *Juvenile Delinquency* (13th ed.). Mizan Publishing.

Shams, A. (2005). *Civil Procedure* (1st ed., Vol. 2). Derak Publishing.

Taghipour, A. (2006). *The Rights of the Accused in International Criminal Procedure* Shahid Beheshti University].

Zeyd Shafiei, M. (2007). The Place of Mediation in Informal Criminal Justice. *Criminal Sciences*.